

## رئییی: اقلام بهداشتی احتکاری باید فوراً

## یین مردم توزیع شود

✱ کادر در مانی و بهداشتی، نیاز مند حمایت هستند

✱ ترخیص ز زندانیان تا جایی که موجب ناامنی در جامعه نشود، تداوم می‌یابد

صفحه ۱۳

سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۸ - ۱۵ رجب ۱۴۴۱ - ۱۰ مارس ۲۰۲۰ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۵۱۹ - ۱۶ صفحه ضمیمه - تگ شماره ۲۰۰۰ تومان

# سقوط بی‌سابقه اقتصاد در ۵ قاره

## گسترش شیوع کرونا شاخص‌های بورس در آمریکا، اروپا، آسیا و اقیانوسیه را با تنزل شدید مواجه کرد



سقوط ناگهانی شاخص های بورس نیویورک به دنبال شیوع گسترده ی کرونا / تصویر: بورس وال استریت نیویورک / عکس از AFP

✱ شاخص صنعتی داو جونز در بورس آمریکا ۴/۷ درصد

نزک ۴/۸ درصد، اس اند پی استرلیا ۷/۳ درصد و نیکی ژاپن ۵/۱ درصد سقوط کرد

✱ ارزش بورس لندن ظرف یک روز ۱۳۰ میلیارد پوند کاهش یافت

✱ مدیر بخش تحقیقات کالاهای اساسی بانک سی‌تی‌گروپ:

ممکن است طی هفته‌های آینده شاهد وخیم‌تر شدن بازار نفت باشیم

✱ اختلاف کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک روی کاهش تولید نفت باعث سقوط ۳۰ درصدی قیمت طلای سیاه در بازارهای جهانی شد

✱ کارشناسان بین‌المللی: احتمال ریزش قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه وجود دارد

✱ قیمت جهانی نفت به پایین‌ترین سطح خود ظرف ۳۰ سال گذشته رسید

✱ نماینده سابق ایران در اوپک: احتمال برگزاری جلسه اضطراری اوپک در آینده نزدیک وجود دارد

✱ تازمانی که روسیه با کاهش تولید نفت موافقت نکند جنگ قیمتی در بازارهای جهانی وجود دارد

✱ قیمت سهام آرامکو عربستان حتی از قیمت عرضه اولیه خود پائین‌تر رفت

✱ کارشناسان جهانی: پس از سقوط سال ۱۹۹۱ این دومین سقوط بزرگ قیمت یک روزه در تاریخ معاملات نفتی است

✱ شاخص سهام در بورس تهران ۱۵ هزار واحد سقوط کرد

صفحه ۴

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

خسروشاهی، دانه‌المعارف

گويا: گوهری که زیر خاک

پنهان شد

محمدجواد حاجتی کرمانی

صفحه ۳

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

خسروشاهی، دانه‌المعارف

گويا: گوهری که زیر خاک

پنهان شد

محمدجواد حاجتی کرمانی

صفحه ۳

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

خسروشاهی، دانه‌المعارف

گويا: گوهری که زیر خاک

پنهان شد

محمدجواد حاجتی کرمانی

صفحه ۳

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر

فتح الله آملی

صفحه ۲

پایان گفتگو

شکست کرونا

در جبهه‌ای دیگر



















## جنبش انقلابی فلسطین

### ایلان پاپه ترجمه محسن کر باسفر و شان بخش اول



فلسطینیانی که برای انتقام‌گیری برمی‌گشتند، بسیار اندک بودند. در میانهٔ دهه ۱۹۵۰، توان این گروه از فلسطینیان به جنبش فدائیان فلسطینی هدایت شد؛ جنبشی که در بدو امر توسط شاخه نوار غزه و کرانه غربی جمعیت اخوان‌المسلمین سازمان‌دهی و تبلیغ شد؛ اما بعداً به جنبش ملی استقلالیه از آن را می‌توان به شکل عمده و گام‌گرا و کل‌گرا در نظر داشت. در ۱۹۶۸ می‌دید و می‌دانست، از اینجا به بعد بود که در سالهای آخر دهه ۱۹۵۰، سازمان «الفتح» سر برآورد

و سرانجام به عنوان جنبش ملی مستقل اصلی، به رهبری «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» رسید. این سازمان را که عمل‌گرا و کل‌گرا و زودخوردها و بود، در ۱۹۶۴ دنیای عرب به منظور آزادی فلسطین تأسیس کرده بود. به دنبال جنگ شش‌روزهٔ اعراب –اسرائیل در ماه ژوئن ۱۹۶۷، که ارتش‌های عرب در شکست اسرائیل ناکام شدند، سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۱۹۶۸، به طور کامل به کنترل الفتح درآمد.

تاریخ‌نگاری اسرائیلی زیر سرصل «تروریسم»، همه فعالیت‌ها و عملیات پراکنده و نوسمیدهٔ فلسطینیان آواره را با زودخوردها و عملیات چریکی الفتح، یکجا و با هم گرد آورده است و آن را دنباله و تداوم ترور فلسطینی دوره قبل از تأسیس اسرائیل معرفی کرده است. خلاصه‌ای از آن را می‌توان به زبان انگلیسی در کتابی که نویسندهٔ جانیدار صهیونیسم، جیبیان یکر، به استناد و با تکیه بر اسناد و مدارک و حتی دیدگاه‌های اسرائیلی نوشته است، یافت و خواند. یقیناً این امر صحت دارد که برخی عملیات فلسطینیان علیه شهروندان جهت داشته و به آنان صدماتی زده است؛ اما در عین حال کل یک جنبش ملی را هم به عنوان یک سازمان تروریستی منهد نمی‌کند.

در سال ۱۹۵۴، سیاست تلافی‌جویانه اسرائیلی علیه فلسطینیان رانده‌شده و آواره‌ای که به داخل اسرائیل نفوذ می‌کردند، کاملاً مشهود بود. براساس این سیاست، هر فلسطینی آواره‌ای که قصد مراجعت به خانه و کاشانهٔ خود را داشت و برای این کار، می‌گوشید از راه نفوذ به مرزهای اسرائیل وارد شود، بی‌درنگ به محض مشاهده، با گلوله کشته می‌شد. متناوب از پنجاه‌هزار فلسطینی این‌گونه جان خود را از دست دادند و امروزه تاریخ‌نگار اسرائیلی، همین‌ها را تروریست معرفی می‌کند؛ بنی مورسین در کتاب خود، از سیاست‌های اسرائیل، از هر نوع آن، حتی از خشن‌ترینش که همان کشتن درجای فلسطینیان باشد، صحبت می‌کند. فقط اوست که از این سیاست‌ها می‌گوید، جز او کسی در این باره اظهارنظری نکرده است.

این ایده را که مقاومت فلسطینی در مرزهای اسرائیل تروریسم محض است، اول بار دولت اسرائیل در سال ۱۹۵۶ به کار برد. دولت اسرائیل در آن زمان در تلاش بود تا ساخت‌وپاخت و تپانی با بریتانیای‌ها و فرانسوی‌ها را در منازعه بر سر کانال سوئز مصر، با طرح این مساله در جامعه اسرائیلی لاپوشانی و توجیه کند. تاریخ‌نگاری جدید و روزآمد شده، به‌خصوص آنچه پیرامون «جنگ سوئز» به قلم اوی شلیم نوشته شده است، به‌روشنی فاش می‌سازد که هدف اصلی از عملیات جنگی او سال بریتانیای‌ها، فرانسوی‌ها و اسرائیلی‌ها، سرنگونی جمال عبدالناصر – رئیس‌جمهوری وقت کشور مصر – بوده است. او چون خاری در چشم بریتانیا به حساب می‌خورد که آن‌ها کانال سوئز، در چشم فرانسه به خاطر حمایت از جبهه آزادی‌بخش الجزایر و در چشم اسرائیل بود به خاطر گشت‌وش‌هایش در تندرو کردن کشورهای عرب، به‌ویژه لبنان، اردن و عراق که به نحوی مطلوب اسرائیل بودند.

ان‌شغال کرانه غربی و نوار غزه در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به دست اسرائیل، و شکست نیروهای نظامی اتحاد عرب، توجه به جنبش ملی فلسطینی را قوی‌تر ساخت. میان سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۴، تحت تأثیر تئوری‌های انقلابی جهان سوم، جنبش مسلحانه به عنوان تنها راه برای پایان دادن به اشغال اسرائیلی، و حتی به دست آوردن آزادی برای فلسطین در مجموع، مطرح شد. در آن دوره، جنبش ملی فلسطینی عملاً درگیر کوششی بی‌حاصل برای بسیج عمومی مردم علیه اشغال سرزمین‌های کرانه غربی و نوار غزه آمد؛ این جنبش در تلاش خود برای جلب نظر جهان به گرفتاری فلسطینیان، تا حدود زیادی توقیف یافت.

در آن سالها، درگیری‌های مسلحانه به هر تاکتیک امکان‌پذیری طبقه‌بندی می‌شد: تروریسم، جنگهای چریکی، جبهه‌بندی نظامی مستقیم یا قدرت نظامی برتر اسرائیل. تروریسم به طور عمده در هوایپارامای، کاری که به «جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین» (به رهبری تائف وائسمه) و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» (به رهبری جرج حبش) اختصاص داشت. تمرکز بود، نخستین بار گروه‌های فلسطینی متعددی مستقیماً به آنچه بی‌درنگ از سوی ادبیات حرفه‌ای اسرائیل، تروریسم ناب نامیده می‌شد، تمایل می‌یافتند. از جمله این گروه‌های تروریستی خاص، گروه المالی «بادر مایهوف» و «رتش سرخ زاپ» بودند. جنبش‌های آزادیخواه اتای یاسک در اسپانیا (ETA) و «ارتش جمهورخواه ایرلند» (IRA) نیز دیگر سازمان‌هایی بودند که با فلسطینیان مرتبط شدند. اینها اتحادی کوتاه‌مدت بود.

در سال ۱۹۷۲، در فورگ‌دگ بن گرویین که اکنون فردگ‌دگ نامیده می‌شود، سه عضو ارتش سرخ ژاپن بیست‌وشو مسافر را کشتند؛ این ترور که عملیاتی رسوا در نوع خود بود، بی‌تردید یک عمل تروریستی خاص بود. در همین زمان، روابط بین سازمان آزادی‌بخش فلسطین و کشور اردن رو به وخامت نهاد. سازمان مزبور در قلمرو اردن پایگاه‌های آموزشی یگان‌های خود را داشت و در نتیجهٔ تیر امر، روابط خود این سازمان با اردن رو به زوال گذاشت و حتی میان آنها حاکم شد که به قتل‌عام هزاران فلسطینی در ماه سپتامبر ۱۹۷۰ منتهی شد، و از آن بابت این ماه ده فلسطینیان به «سپتامر نامه» گم شد. به دنبال این رخداد فاجعه‌آمیز، سازمان آزادی‌بخش فلسطین مجبور به ترک اردن و انتقال به لبنان شد. در آن تحولات، عاملی‌شد برای پایدان جنبش انقلابی. نفوذ به اراضی اشغالی کرانه غربی به منظور سازمان‌دهی مقاومت عمومی در آن منطقه، از جمله عملیات چریکی گروه‌های فلسطینی بود. پس از ۱۹۷۰ و انتقال سازمان آزادی‌بخش فلسطین به لبنان، مشابه این عملیات در آنجا نیز شکل گرفت. گروه‌های فلسطینی از لبنان، غیرنظامیان اسرائیلی را مورد حمله قرار می‌دادند و از آنها گروه‌ای می‌گرفتند و برای ارتش‌شان، با اسرائیلی مذاکره می‌کردند؛ اما اغلب اوقات این امر به فاجعه می‌انجامید و به مرگ غیرنظامیان منجر می‌شد. عملیات نفرت‌انگیز بازی‌های المپیک مونبخ آلمان در سال ۱۹۷۲ از این جملته است. عملیات دیگر از این دست، عملیاتی است که در «مادالت» در یک مدرسه رخ داد و طی عملیات تهاجمی نیروهای تیپ گولانی اسرائیلی، بیست‌ودو دانش‌آموز کشته شدند.

فصل دیگری از تلاش‌های چریکی فلسطینیان، جنگی فرسایشی بود که تا ماه سپتامبر ۱۹۷۰ هم تداوم داشت و طی آن، سازمان آزادی‌بخش فلسطین لشکرکشی یهودی‌نشین دژه اردن را بمباران می‌کرد. پس از ماجرای المپیک مونبخ، مساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) کارزاری از ترور به روش خاص خود و با نام «فضب الهی» برای کشتن اعضا و فعالان سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در اروپا به راه انداخت. علاوه بر این، طی عملیاتی در بیروت در ۱۹۷۳، به ترور رهبران ساف پرداخت. معروف‌ترین عملیات تلافی‌جویانه اسرائیلی‌ها در کرانهٔ اردن در سال ۱۹۶۸ به اجرا درآمد. این عملیات که از جانب اسرائیل «عملیات دوزخ» نام گرفت، خمشنهٔ غریبال پیش‌بینی و انتظار مقاومت فلسطینی و اردنی را به‌شدت برانگیخت.

تلاش‌ها در اسرائیل به دستاوردها را ارزیابی کنیم، باید بگوییم که عملیات فلسطینی‌ها در مجموع، هم خطا بود و هم شکست. حتی یک اینچ مربع هم از سرزمین‌های اشغالی آزاد نشد؛ اما برخی تغییرات به‌وجود آمد؛ ساف به عنوان تنها جنبش آزادی‌بخش معتبر فلسطینی به رسمیت شناخته شد. این سازمان گرجه نبرد برای آزادی سرزمین‌های اشغالی را باخست، اما جنگ مشهوروعیت خود را به پیروزی رساند و این راه در اسرائرائیزی خود تغییراتی به‌وجود آورد. اواسط سالهای ۱۹۷۰، طرحی را که فراتر از «ما طرح گام به گام» می‌نامیدند، اعلام کرد. در این طرح راهبردی سیاسی اتخاذ شد که شکست راحصل صرفاً مسلحانه را می‌پذیرفت و تلاش سیاسی و حل‌وفصل منازعه با اسرائیل را انتخاب می‌کرد.

با وجود این، اسرائیل به این موضوع مثبت ننگریست و به پاسخ مثبت نداد. در واقع سرزمین‌های اشغالی در این فاصله به زندان بزرگی تحت حکومت نظامی اسرائیل تبدیل شده بود، وضعیتی که از بسیاری جهات تا هم امروز هم ادامه یافته است. نظر اسرائیلی از صلح، به‌وزیر در قالب تلاش برای پنهان‌کاری یهودی-مسازری قلمرو زیست فلسطینیان و مجبور کردن جمعیت فلسطینی به تم‌انداز اشغالی‌اشغالی درآمد. اما در هر زمان به فلسطینیان پیشنهاد داده می‌شد که در اراضی محدود و مشروط برای خود کشوری بسازند و پایان منازعه و مرافعه را اعلام دارند، چیزی که آنها می‌بایست آن را رد می‌کردند.

ادامه دارد

گذشت ایامی چند از واقعهٔ کربلا، باعث فراموش شدن بزرگی مصیبت و عبرت‌آموزی از پیامدهای آن نمی‌شود. واقعیت این است که تأثیر مصیبت پس از وقوع آن، بیشتر از احساس مصیبت، پیش از وقوع است. افزون بر این، معمولاً پیامدهای ستر و فداکاری پس از پایان نبرد آشکار می‌شود. در روز عاشورا امام حسین<sup>(ع)</sup> و مردان همراهش، حتی جوانان و برخی از خردسالان نیز شهید شدند. بنا بر آنچه در کتب تاریخ آمده است، در خیمه‌ها و اهل‌بیت امام حسین<sup>(ع)</sup>، تنها دو مرد زنده ماندند: شخص اول علی‌بن‌الحسین، امام‌زین‌العابدین<sup>(ع)</sup>، که به شکل شکفت‌انگیزی از مرگ نجات یافت، حسن مثنی، فرزند امام حسین<sup>(ع)</sup> بود. او سخت جراحات دیده و در میان کشته‌شدگان، بی‌هیچ حرکتی با نشانی از حیات بر زمین افتاده بود. پس از آنکه شعله‌های آتش نبرد فرو نشست و خواستند کشته‌شدگان را در خاک سپارند، او را زنده یافتند، لذا درماشش کردند و بدین ترتیب او در جادر و میان اسرا ماند. در برخی کتب مقاتل، رویدادهایی از او در مجلس ابن‌زیاد و یزید و همچنین در راه آمده است. اما غیر از این‌دو، همه شهید شدند و نقش اصلی برای به سرانجام رساندن رسالت امام حسین<sup>(ع)</sup>، بر دوش حضرت زینب<sup>(س)</sup> باقی ماند و او این وظیفه دشوار را بر دوش بهترین شکل ممکن به انجام رساند.

**پاسداری از عزت حسینی**

بی‌شک او به همهٔ مصیبت‌هایی که امام حسین<sup>(ع)</sup> در روز عاشورا به چشم دید، دچار شد و افزون بر آن، مصیبت از دست دادن امام حسین را نیز لمس کرد؛ اما در وای این مصیبت‌ها، او وظایفی داشت. اولین وظیفه‌اش پاسداری از عزت امام حسین<sup>(ع)</sup> و نمایانند او به عنوان مظهر قدرت بود، نه اینکه او از ناتوانی و ترسو و ضعیف نشان دهد. امام حسین<sup>(ع)</sup> با فداکاری‌های گوناگون یارانش، و یار آماده ساختن زنها، خصوصاً حضرت زینب<sup>(س)</sup> برای رویارویی با این مصیبت‌ها، زمینه را برای این موضوع فراهم کرد تا در چهرهٔ آنان نشانی از ناتوانی و خوارى نمایان نشود و فریاد و تاله و شیون نکنند. امام در روز عاشورا بر این تأکید داشت و یارانش برای شهادت پیشدستی می‌کردند و هر کدام از آنها با اصرار و پافشاری می‌خواست با شجاعت در برابر دشمن بایستد.

اینها همه هدفمند بود، تا در تاریخ روشن شود که راه راست و اثر ایمان و معنای عزت و بزرگی چیست. امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز شخصاً به این امر توجه داشت: همچون ناتوانان در محض ظاهر نمی‌شد، بر فرزندان نیز گریست، و برای کشته‌شدگان مویه نمی‌کرد و در برابر دشمنان و غمها و مصیبت‌ها، از خود ناتوانی نشان نمی‌داد. این سخن معروف را دربارهٔ او شنیده‌اید؛ که خدا هرگز شکست‌خورده‌ای را ندیده‌ام که فرزندان و خاندانش کشته شده باشند و او مصمم‌تر از استوارتر از حسین باشد؛ در این عبارت آنچه نمایان است، اراده و استواری و روشنایی در چهره و صلابت در موضع است. پس از همهٔ این مصیبت‌ها، باز هم همان موضع را یعنی موضع قدرت و بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به مرگ و جراحت و تشنگی و دشمن، به‌روشنی نزد بانوان مشاهده می‌کنیم.

آنچه پس از دفن اجساد سیاه عمر سعد روی داد، برای ما پسندند است؛ لشکری‌ها بر سر اجساد ناپاک افرادشان را دفن کردند و پیکرهای امام حسین<sup>(ع)</sup> و خاندان و یارانش بر زمین ماند. هنگامی که بر آن شدند تا از کربلا به کوفه بروند، خاندان امام و زنان و مادران و خواهران را از کنار قتلگاه و کشته‌شدگان عبور دادند؛ یعنی گوشیدند تا آنچه را در نبرد برای کشته‌شدگان اتفاق افتاده بود، آشکار سازند. آنها چرا این کار را کردند؟ برای اینکه می‌خواستند آنچه را امام حسین<sup>(ع)</sup> بدان می‌اندیشید، بی‌ثمر سازند. امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌خواست در زندگی و پس از مرگ نیز با قدرت ظاهر شود، اما آنها می‌خواستند که حسین را پیش و پس از مرگش ناتوان نشان دهند. می‌خواستند مردان، زینب نیز نمونه‌ای است برای زنان. آن‌چنان‌که مرد مسلمان می‌تواند قهرمان و مجاهد باشد، زن مسلمان نیز می‌تواند قهرمان و مجاهد باشد.

زنها پشت سر حضرت زینب<sup>(س)</sup> حرکت می‌کردند.

### امام حسین<sup>(ع)</sup> شهید شد تا امر به معروف و نهی از منکر کند. پس در زمانهٔ ما اگر منکر ترک شود و جامعه اصلاح شود، امام به هدفش رسیده است و هر اندازه که فساد اشاعه یابد، بدین معناست که این نسل از امت، خون او را هدر داده است. آیا می‌شنوی؟

حضرت زینب<sup>(س)</sup> به جسد پاره‌پاره امام حسین<sup>(ع)</sup> رسید؛ جسدی که حتی یک عضو سالم در آن دیده نمی‌شد و پوسیده از تیر و کشمیر و نیزه و سنگ بود. آن‌چنان‌که چیزی از آن پیدا نبود. زینب جلیر آمد و نزدیک حسین ایستاد و سنگها و نیزه‌ها و کشمیرها را کنار زد و با دو دشتش پیکر برادر را بلند کرد و گفت: «**اللهم تقبل ما هذا القربان**؛ خداوند، این قربانی را از ما بپذیر!» این قربانی

را تصور کنید، حسین برای زینب همه چیز است. بزرگان و قهرمانان و کوه‌ها در برابر این صحنه ناتوان‌اند.

با این سخن، حضرت زینب اعلام داشت این کار به اراده و خواست خودمان بوده و بر ما تحمیل نشده است. هیچ کس به ما نگفت بیاید و کشته شوید. هیچ‌کس نگفت که برخیزید و این کار را انجام دهید. ما با آزادی کامل آمدم و آن را برگزیدیم. آنچه به دست آوردیم، نتیجهٔ خواست و ارادهٔ خودمان است. ما حسین را برای دین خدا قربانی کردیم و از خدا می‌خواهیم که این قربانی را از ما بپذیرد و چیزهای دیگر اصلاً مهم نیست.

وقتی ابن‌زیاد در مجلس خود از او می‌پرسد: «چگونه یافتی آنچه خداوند با برادرت کرد؟» می‌گوید: «ما رأیتُ الا **جَمِیلاً. هؤلاء قومٌ کُتبَ اللهَ علیهم القتلُ فیروزاوی المضاجعم**: جز زیبایی چیزی ندیدم. آنان مردانی بودند که خداوند مرگ را برایشان مقدر کرده بود و به سوی قتلگاهشان رفتند.» بی‌شک پس از موضع‌گیری حضرت زینب در برابر شهادت سیدالشهدا، سایر زنان تکلیف خود را در برابر شهیدانش دانستند؛ چراکه هنگامهٔ تاله و شیون و اظهار ناتوانی نبود، بلکه زمان قدرت و صلابت بود و باید به جهانیان اعلام می‌شد: ما بدین جا آمدم و می‌دانستیم چه

## زینب(س) شکوه شکیبایی

**امام موسی صدر**
**ترجمه مهدی فرخیان**



رخ خواهد داد؛ با آسودگی آن را اراده کردیم و به شوش کام راندمش و تالش کردیم و از خداوند می‌خواهیم که آن را از ما بپذیرد. و اگر کارزار، بیش از این فداکاری می‌خواهد، ما آماده‌ایم؛ بنابراین نقش حضرت زینب<sup>(س)</sup> این است که رسالت امام حسین<sup>(ع)</sup> و حضور عزتمندان و تجرهای شکوهمند و تاباک و واقعی‌ای عبرت‌آموز

در برابر ماست. درمی‌یابیم همان‌گونه که مرد می‌تواند حسین باشد، زن مسلمان نیز می‌تواند زینب باشد. اگر امام حسین نمونه‌ای است برای قهرمانان و کمالی است برای مردان، زینب نیز نمونه‌ای است برای زنان. آن‌چنان‌که مرد مسلمان می‌تواند قهرمان و مجاهد باشد، زن مسلمان نیز می‌تواند قهرمان و مجاهد باشد.

زنها پشت سر حضرت زینب<sup>(س)</sup> حرکت می‌کردند.
♦♦♦
حضرت زینب<sup>(س)</sup> به جسد پاره‌پاره امام حسین<sup>(ع)</sup> رسید؛ جسدی که حتی یک عضو سالم در آن دیده نمی‌شد و پوسیده از تیر و کشمیر و نیزه و سنگ بود. آن‌چنان‌که چیزی از آن پیدا نبود. زینب جلیر آمد و نزدیک حسین ایستاد و سنگها و نیزه‌ها و کشمیرها را کنار زد و با دو دشتش پیکر برادر را بلند کرد و گفت: «**اللهم تقبل ما هذا القربان**؛ خداوند، این قربانی را از ما بپذیر!» این قربانی

تابستان آن سال خلیلی بر واقعیه بود علاوه بر اینکه من از دستبستن فراتج‌تجصل شدم از خانه قدیمی نیز به چانه دیگری سفر کردیم. ما ا محله آمبگل که در جنوب تهران بود، به فرمائی شمسنیم کوچ کردیم. پدر در آنجا یک قطعه زمین خریده بود که یک ساختمان ییلاقی کوچک هم داشت. به این ترتیب با تلاش‌های چریکی فلسطینیان شهسر را رها کردیم و به انزواي روستا روی آوردیم. خانه جدید ما از ده رستم‌آباد بالا فاصله زیادی نداشت، من سیزده سالم بود و هم مدرجان به نام خودم. هر کسی از کوچک و بزرگ در آن باغچه به کارهای مشغول بود. مردان و جوانان و خواهرها

مأموریت پخت‌وپز و نظافت خانه را به عهده داشتند. پدر باغبانی می‌کرد. برادرم حسین که آن موقع ندر دبیرستان بود در خرید و امور اداری منزل کمک می‌کرد و من مأمور بودم از آب‌انبار ده برای اهل خانه سطل سطل آب بیاورم. کار شاقی بود. هر سفر نیاصل طول می‌کشید و من هر بار دو سطل بیست لیتری آب می‌آوردم و بسکه آبی را که در خانه داشتم، بر می‌کردم. این آب آشامیدنی و مصرف آشپزخانه ما بود. برای استحمام باید به گرمابه ده می‌رفتم. بعد از چند ماه یک مدتی آمد و چاهی چقی چترم خور و در یک چاه زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم. هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خنجر خرمی داشتیم، هم‌اکنون من به جیو-جیو-جیو مشگل ا ما حل شد. البته تعیین محل چاه خود داستان ما را جل می‌شد که زودتر هر کس نظصری می‌داد. از دیدگاه پدر چاه می‌باید در محلی حفر می‌شد که زودتر به آب برسد (تا محلی حفاری کمتر گردد) و چون زمین‌شناس متخصص اهای خ



























## شمار جانباختگان مسمومیت با الکل در کشور به ۲۹ نفر رسید

سرویس حوادث: شمار جانباختگان مسمومیت با الکل در شهرستان های اهواز ، ساوه و استان البرز به ۲۹ نفر رسید.

دکتر علی احسان پور، سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با بیان این که شمار جانباختگان ناشی از مسمومیت با الکل در این شهرستان به ۲۰ نفر رسیده است، افزود:۲۱۸ نفر در بیمارستان های زیر پوشش این دانشگاه به علت مسمومیت الکلی پذیرش شدند که احتمال افزایش شمار شیوم شدگان وجود دارد ، همچنین بیمارستان های گلستان و آیت الله کرمی اهواز هم آماده پذیرش بیماران مسمومیت با الکل هستند.

سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی جندی اهواز تأکید کرد : متأسفانه در بررسی و آنالیز مشروبات غیر مجاز مصرف شده توسط قربانیان این حادثه مشخص شد که این مشروبات حاوی مواد سمی کشنده بوده اند ، لذا از هم استثنای ها درخواست می شود ضمن مراقبت از فرزندان خود، هشدارهای لازم را گوشزد کنند. احسان پور گفت : شهروندان در صورت نیاز به استفاده از مواد ضد عفونی کننده و شوینده های الکلی، این مواد را صرفاً از داروخانه های سطح شهر تهیه کنند. دکتر فرهاد ابول اودیان، سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز هم گفت: حال عده ای از افرادمسموم شده وخیم است و شماری یز دستگیر هستند و یا دلیاز می شوند.

**دستگیری ۱۵توزیع ۱۵مشروبات الکلی دست ساز**
همچنین معاون دادستان عمومی و انقلاب اهواز از دستگیری پنج نفر از توزیع کنندگان مشروبات الکلی دست ساز در این شهرستان خبر داد.
علی بربانلود گفت: باتوجه به مصرف مشروبات الکلی در شهرستان اهواز که تاکنون منجر به مسمومیت شمار زیادی از مصرف کنندگان و ۲۰۲ نفر از آنان شده است، دستورأت خاصی برای برخورد با عوامل این ماجرا صادر و همه پاسگاهها و کلانتری‌های محلات اهواز وارد عمل شده اند. وی ادامه داد: مقادیر قابل توجهی مشروبات الکلی دست ساز کشف و ضبط شده اند و باتوجه به دستگیری متهمان اخیر پیش می‌شود مقدار کشفیات افزایش یابد.
بربانلود گفت: متأسفانه با شیوع ویروس کرونا و کم شدن موجودی الکل اتانول در بازار، برخی سوجویان اقدام به دستکاری الکل متانول و تغییر رنگ آن با استفاده از مایع سفیدکننده می کنند و آن را به جای اتانول به فروش می‌رسانند.

**مرگ ۷ نفر در استان البرز**

معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز از مرگ هفت نفر در این استان به دلیل مسمومیت الکلی خبر داد.

محمد آقاییاری گفت: متأسفانه چند نفر در استان البرز دچار مسمومیت الکلی شده اند که تاکنون هفت نفر جان خود را از دست داده اند.

**مرگ ۲نفر در ساوه**

رئیس مجتمع بیمارستان شهید مدرس و ۱۷ شهرویر ساوه از مرگ دو نفر بر اثر مسمومیت الکلی خبر داد.

دکتر الهام فردی در گفتگو با ایسنا، با بیان این که دو نفر بر اثر مسمومیت به مواد الکلی به مرکز درمانی شهید مدرس ساوه منتقل شدند که متأسفانه قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست دادند.افزود: جانباختگان یک مرد و یک زن بودند که به دلیل مسمومیت با مواد الکلی جان باختند و بررسی و دقیق و اعلام نظر درباره علت قطعی مرگ آنان از سوی پزشکی قانونی اعلام خواهد شد.

### لکه‌چرک‌های گناه

**علت مرگ پرندگان سار در زنجان مشخص شد**

سرویس خبر: معاون سلامت ادارهکل دامپزشکی استان زنجان گفت: علت نهایی مرگ پرندگان سار در شهر زنجان مشخص شد.
مجید اسکندرنیور در گفتگو با ایسنا، افزود: نتایج نمونه‌های ارسالی به دامپزشکی کشور، حاکی از وجود بیماری نیوکاسل و عدم وجود بیماری آنفلوانزا در پرندگان سار تلف شده طی روزهای اخیر در زنجان بود. در حقیقت مشخص شد که علت نهایی و اصلی مرگ پرندگان سار همان بیماری نیوکاسلی است که در همان نخستین مرحله تشخیص داده شده بود.

وی با بیان این که هفته گذشته لاشه‌های تعدادی از پرندگان سار در حوالی پارک بینم و بلوار آزادی شهر زنجان مشاهده شده بود، ادامه داد: این موضوع منجر به ایجاد دغدغه و نگرانی در میان مردم و مسئولان دامپزشکی شده بود، اما از ارسال نتایج آزمایش‌ها، مشخص شد که این پرندگان به بیماری آنفلوانزا مبتلا نبوده اند بلکه علت مرگ آنها بیماری نیوکاسل است.

معاون سلامت اداره کل دامپزشکی استان زنجان با بیان این که بیماری

## آیت الله رئیس: اقلام بهداشتی احتکاری باید فوراً بین مردم توزیع شود

سرویس خبر:رئیس قوه قضائیه شیوع ویروس کرونا را از بالا و مصائب امروز جهان دانست و گفت: در میدان جنگ، نیروهای رزمنده در خط مقدم مقابله با دشمن قرار دارند و نیروهای بسیاری هم در پشت جبهه آنها را یاری می دهند که اکنون کادر درمانی و بهداشتی کشورمان به عنوان افسران و سربازان میدان جنگ با ویروس کرونا، نیازمند حمایت هستند.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به حضور وزارت بهداشت در خط مقدم مقابله‌بسیا کرونا و تأکید بر لزوم کمک همه جانبه به این وزارتخانه، تأکید کرد:در جبهه جنگ ، کار کسی که در خط مقدم مشغول رزم است، تأمین ادوات و پشتیبانی نیست و این امر بر عهده مجموعه‌ای به نام پشتیبانی است. امروز هم لازم است مسئولیت تأمین نیازهای لجستیکی و بهداشتی مراکز درمانی توسط مراکز غیر از وزارت بهداشت انجام گیرد تا این وزارتخانه بر مأموریت‌هایش در عرصه بهداشت و درمان متمرکز شود.

وی از مجاهدتهای خادمان عرصه بهداشت و درمان کشور که با ایثار و خودگذشتگی و از میدان مبارزه با این ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.
در ادامه این جلسه، دکتر مسعودی رئیس سازمان پزشکی قانونی به ارائه گزارشی درباره روند مقابله با ویروس کرونا، گفت: در کشور پرداخت و از پیشنهادهای بهداشتی و غیر-بخانه- می‌مانیم تا کرونا-را شکست دهیم» به عنوان شعار اصلی پوشش مقابله با کرونا خیر داد و بر لزوم تشکیل یک ستاد مشترک در سطح عالی اجرایی برای مقابله با ویروس کرونا، موفق برای ریشه‌کنی ویروس کرونا تأکید کرد.

رئیس دستگاه قضا در واکنش به اظهارات رئیس سازمان پزشکی قانونی، با توجه به لزوم ایجاد یک فرآگاه مرکزی منسجم برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای مقابله با کرونا، گفت: امروز لازم است برای تعطیل کردن یا تعطیل نکردن برخی بخش‌ها، به تهیه پروتکل‌های لازم برای اجتماعات به ویژه در شهرهایی که شرایط آنها خاص است، در یک قرارگاه مرکزی به‌طور کامل حساب‌شده و با استفاده از نظرات درمانی و پزشکی و وزارت بهداشت تصمیم‌گیری شود.
رئینی با اشاره به آمادگی دستگاه قضا برای همکاری و پشتیبانی از نیروهای درگیر در مساله کرونا، یکی از جلوه های این همکاری و همیاری را رسیدگی فوری و خارج از نوبت به پرونده محکومان کالاهای پزشکی دانست و اظهار داشت: همکاران کلانای احکارشده از اقام بهداشتی و درمانی مورد نیاز مردم است، باید باافاصله به شبکه توزیع قرار گیرد و از طریق مراجع بهداشتی و درمانی به دست مردم برسد.

نویسنده بیماری رایج و طبیعی در میان پرندگان است، گفت: این بیماری به طور متداول در میان پرندگان و حتی در میان طيور صنعتی مشاهده می‌شود و جای هیچ نگرانی در این زمینه وجود ندارد.

**۵ کشته در حادثه سقوط خودرو به کانال آب**



سرویس حوادث: انحراف خودرو از جاده و سقوط در کانال آب شاداگان منجر به ۵ ک نفر شد.

رئیس فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی آبادان در این باره

### اخبار داخلی

### اخبار داخلی

## اقلام بهداشتی احتکاری باید فوراً بین مردم توزیع شود

بایه‌کاران و حمایت از کاسبان خُرد و رفتار برخی افراد جامعه در فرصت‌دادن برای پرداخت بدهی شان را اقلدلی انسانی و اسلامی دانست.

رئیس توضیح داد: نظام بانکی و مالیاتی اعلام کرده‌اند این چند ماه که شرایط کسب‌وکار به ویژه کسب‌کارهای خرد دچار آسیب‌شده است، حتماً رعایت حال مردم را می‌کنند که این کار خوبی است، و بنظرم برای آن‌که در این وضع شاهد چک‌های برگشتی و مراجعات به دادگستری‌ها و بروز مشکل برای چنین کسب‌وکارهایی بنابینم باید حال دیگران را رعایت کنیم تا نگرانی مضاعفی در جامعه به وجود نیاید.

**دولت هند به افراط گراها مجال ندهد**

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.
در ادامه این جلسه، دکتر مسعودی رئیس سازمان پزشکی قانونی به ارائه گزارشی درباره روند مقابله با ویروس کرونا، گفت: در کشور پرداخت و از پیشنهادهای بهداشتی و غیر-بخانه- می‌مانیم تا کرونا-را شکست دهیم» به عنوان شعار اصلی پوشش مقابله با کرونا خیر داد و بر لزوم تشکیل یک ستاد مشترک در سطح عالی اجرایی برای مقابله با ویروس کرونا، موفق برای ریشه‌کنی ویروس کرونا تأکید کرد.

رئیس دستگاه قضا در واکنش به اظهارات رئیس سازمان پزشکی قانونی، با توجه به لزوم ایجاد یک فرآگاه مرکزی منسجم برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای مقابله با کرونا، گفت: امروز لازم است برای تعطیل کردن یا تعطیل نکردن برخی بخش‌ها، به تهیه پروتکل‌های لازم برای اجتماعات به ویژه در شهرهایی که شرایط آنها خاص است، در یک قرارگاه مرکزی به‌طور کامل حساب‌شده و با استفاده از نظرات درمانی و پزشکی و وزارت بهداشت تصمیم‌گیری شود.

رئینی با اشاره به آمادگی دستگاه قضا برای همکاری و پشتیبانی از نیروهای درگیر در مساله کرونا، یکی از جلوه های این همکاری و همیاری را رسیدگی فوری و خارج از نوبت به پرونده محکومان کالاهای پزشکی دانست و اظهار داشت: همکاران کلانای احکارشده از اقام بهداشتی و درمانی مورد نیاز مردم است، باید باافاصله به شبکه توزیع قرار گیرد و از طریق مراجع بهداشتی و درمانی به دست مردم برسد.

نویسنده بیماری رایج و طبیعی در میان پرندگان است، گفت: این بیماری به طور متداول در میان پرندگان و حتی در میان طيور صنعتی مشاهده می‌شود و جای هیچ نگرانی در این زمینه وجود ندارد.

رئیس قوه قضائیه شیوع ویروس کرونا را از بالا و مصائب امروز جهان دانست و گفت: در میدان جنگ، نیروهای رزمنده در خط مقدم مقابله با دشمن قرار دارند و نیروهای بسیاری هم در پشت جبهه آنها را یاری می دهند که اکنون کادر درمانی و بهداشتی کشورمان به عنوان افسران و سربازان میدان جنگ با ویروس کرونا، نیازمند حمایت هستند.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به حضور وزارت بهداشت در خط مقدم مقابله‌بسیا کرونا و تأکید بر لزوم کمک همه جانبه به این وزارتخانه، تأکید کرد:در جبهه جنگ ، کار کسی که در خط مقدم مشغول رزم است، تأمین ادوات و پشتیبانی نیست و این امر بر عهده مجموعه‌ای به نام پشتیبانی است. امروز هم لازم است مسئولیت تأمین نیازهای لجستیکی و بهداشتی مراکز درمانی توسط مراکز غیر از وزارت بهداشت انجام گیرد تا این وزارتخانه بر مأموریت‌هایش در عرصه بهداشت و درمان متمرکز شود.

وی تأکید کرد: در دستگاه قضایی هند می‌خواهیم که مسئولان و عاملان این جنایات، از مجازات هند اجازه ندهند نسبت به جان و مال مظلومان تعرض شود.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.
در ادامه این جلسه، دکتر مسعودی رئیس سازمان پزشکی قانونی به ارائه گزارشی درباره روند مقابله با ویروس کرونا، گفت: در کشور پرداخت و از پیشنهادهای بهداشتی و غیر-بخانه- می‌مانیم تا کرونا-را شکست دهیم» به عنوان شعار اصلی پوشش مقابله با کرونا خیر داد و بر لزوم تشکیل یک ستاد مشترک در سطح عالی اجرایی برای مقابله با ویروس کرونا، موفق برای ریشه‌کنی ویروس کرونا تأکید کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.
در ادامه این جلسه، دکتر مسعودی رئیس سازمان پزشکی قانونی به ارائه گزارشی درباره روند مقابله با ویروس کرونا، گفت: در کشور پرداخت و از پیشنهادهای بهداشتی و غیر-بخانه- می‌مانیم تا کرونا-را شکست دهیم» به عنوان شعار اصلی پوشش مقابله با کرونا خیر داد و بر لزوم تشکیل یک ستاد مشترک در سطح عالی اجرایی برای مقابله با ویروس کرونا، موفق برای ریشه‌کنی ویروس کرونا تأکید کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

که نتیجه آن بحرانی تر شدن وضع منطقه خواهد بود.
رئیس با اشاره به ردیای اقتصادی که کشور هند خونیاب را در پی داشته است، نخستین جلسه دادگاه این افراد هم برگزار شده است و با کفایت ادامه می یابد و مردم ما در جریان کفر آنها قرار می گیرند.
رئیس در ادامه خواستار برخورد با عناصر شایع‌پراکن ویروس مخوس شده‌اند، و همچنین نیروهای مردمی پشتیبان آنها در بخش‌های مختلف کشوری و لشکری قدردانی کرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به حوادث و درگیری‌های تلخ و خونبار هند، از دولت هند خواست به افراط گراها مجال ندهند تا دست به کشتار و جنایت بزنند چرا

<b>خط ارتباطی مردم با اطلاعات</b>
<b>تلفن ۰۲۲۲۲۶۰۹۰</b>
<b>ایمیل خط ارتباطی<span> </span>: ertebat@etellaat.com</b>
<p><b>چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>موضوع پیام‌ها منحصراً خصوصی، حقوقی و قضایی نباشد.</li> <li>پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.</li> <li>خوانندگان محترم به‌ترساتی در پیام‌هایشان، نام شهرستان خود را درج فرمایند.</li> <li>چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.</li></ul> <p>—گفتگوشروع ارتباطات مردمی</p>

**مسئولان به وعده‌هایشان عمل کنند**
علیرغم مسئولان قضائیی در مورد دستگیری محکومان لوازم بهداشتی و ضد عفونی و برخوردی با آنان، همجنین با مشکل تهیه این مواد و ماسک و دستکش یکبار مصرف هستند، هر چند توزیع اقلام احتکار شده در سطح کشور از اقدامات مهم دستگاه قضا به مسؤولان وزارت بهداشت و درمان است، مگر قرار نبود اقلام بهداشتی مقابله با ویروس کرونا به صورت رایگان در اختیار مردم قرار گیرند؟ مسؤولان در صورت عدم تکررن به وعده‌های خود حداقل مواد ضد عفونی کننده را در اختیار داروخانه‌ها قرار دهند تا مردم بتوانند آن‌ها را راحتیی تهیه کنند.
مراجعه مبتدا خانوادها برای تهیه اقلام بهداشتی و عدم یافتن و تهیه آنها باعث خروج مکرر شهروندان از خانه‌هایشان و افزایش تعداد مبتلایان به این بیماری می‌شود.

**محمودیان**

**مسئول افزایش قیمت یاز کیست؟**
افزایش قیمت پامپولای بی کیفیت و پخشده و بی‌میهن میوه و تره بار و مغزها در روزهایی که هوا خیلی سرد نیست، نشان عدم نظارت کافی بر قیمت‌گذاری و توزیع محصولات کشاورزی است.
در بازار میوه و تره بار لگین واقع در شهرک دشتیشه کرج هر روز قیمت ییاز افزایش می‌دهد.
اقلام چند روز گذشته بی کیفیت هستند را در اختیار مشتریان قرار می‌دهند.
مسئول این افزایش بی‌رویه قیمت یاز کیست ؟ یا سازمان تعزیرات حکومتی خواهان بررسی و مقابله با گران شدن اقلام خوراکی در روزهای پایانی سال هستیم.

**از ساکنان شهرک اندیشه**

**مجامع عمومی شرکت‌های بورسی به سال آینده موکول شود**
با توجه به رکود اقتصادی به دلیل شیوع ویروس کرونا و اثر منفی که این بیماری بر معاملات گذاشته و باعث رکود در بازار سهام شده است که تا برگشتن آرامش به بازارهای مالی و جهانی و پایان یافتن شیوع این ویروس، از سازمان بورس و اوراق بهادار تقاضا می‌شود که برگزاری تمامی مجامع عمومی شرکت‌های بورسی را به سال آینده موکول کند.

**از سهامداران جزء بورس**

**سلب‌ریضا همه‌را با مردم‌باندند**
رفتارهای غیر انسانی‌دست‌انته برخی از سلب‌ریضا و هنرمندان در فضای مجازی حیرت‌انگیز است.
بهتر است در موقعیت‌ها و مشکلاتی که تمامی مردم و کشور آن را دربرو هستند و رفتارها و عملکرد افراد مشهور این مقابله با معضلات کارساز است، از موقعیت‌های خود نهایت استفاده موثر را برای همدلی و همراهی با مردم به کار ببرند و با تشکیل ستادهای گروهی مشکلک از خود به یاری مبتلایان به کرونا و با تهیه و توزیع اقلام ضروری برای مردم به‌شدند. این افراد نیز مانند مبتلایان سنجی و نبردهای سسپاه و ارتش با برنامه‌های خودجوش، خود را در میان مردم و مشکلات آنان قرار دهند.

**هموطن**

**وازیو مبلغ خرید کالا به حساب بانزستگان کشوری**
طرح ارائه تسهیلات خرید کالای ایرانی به مبلغ ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای بانزستگان کشوری با هدف کمک به معیشت آنان قابل قدردانی است، اما ای کاش به جای آن این مبلغ به حساب بانزستگان وارز شود تا هر بانزشته بسته به نیازش از آن استفاده کند.
مؤمن‌مندان بانزستگان برای تهیه کالا و اقلام مصرفی در شرایطی که اکثر این افراد سالمند هستند و نیاز چندانی ب اقلام خوراکی ندارند، برای آنان ضروری نیست.
امید است تا قبل از اجرایی‌شدن این طرح مسؤولان در تصمیم خود تجدیدنظر کنند.

**بازنستده کشوری**

**راندندگان تاکسی‌های اینترنتی قبض رسید دارند**
استفاده از تاکسی‌های اینترنتی مانند اسب برای کادمان و دیگر شاغالی که باید فاکتور هزینه‌های ایاب و ذهاب خود را به اداره یا شرکت خود ارائه دهند، مشکلاتی دارد. از مسؤولان سامانه خودروس حمل و نقل عمومی انتظار می‌رود با ارائه تسهی رسید به رانندگان خود، حداقل برای مشتریان که نیاز ضروری به فاکتور دارند، این امکان را فراهم آورند.

**فواد کاسب**

**لرزم‌بورسی تولید ماسک و دستکش‌های پارچه‌ای!**
استفاده بیش از اندازه از ماسک و دستکش‌های یکبار مصرف برای پیشگیری از ابتلا به بیماری کرونا در کل کشور، از آسیب‌های جدید و خطرناک دیگری برای محیط‌زیست است،در مورد این‌که پس از شکست کرونا اگر مسؤولان حفاظت محیط‌زیست آمار مصرف و ورود آن‌ها به چرخه طبیعت را بررسی کنند اگر از امروز چاراندیشی نشود، با مشکل بزرگ زیست‌محیطی مواجه خواهیم شد.ای کاش به‌جای واردات و تولید دستکش‌ها و ماسک‌های یکبار مصرف، مسؤولان بهداشت و درمان و حفاظت محیط‌زیست درصد تهیه این اقلام با استفاده از پارچه‌های قابل شست‌وشو و ضدعفونی بودند.
به نظر می‌رسد استفاده از دستکش‌ها و ماسک‌های پارچه‌ای برای تمامی مردم به غیر از بیماران درگیر و پرسنل بیمارستان‌ها مناسب‌تر و کم‌هزینه‌تر باشد.

**شهروندی از همدان**

**قدردانی از زحمات فرماندهان دزبان کل ارتش**
فرماندهان محترم دزبان کل ارتش جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شیوع ویروس کرونا در کشور ضمن تشکیل کلاس‌های آموزشی، تلاش زیادی برای ضضعونی کردن محل خدمت سسرازان انجام داده اند که از خادند متعال مسالت می‌کنم به تمامی فرماندهان عزیز ارتش خیر و سلامت عطا فرماید.

**پدر سراز یادگان دزبان کل ارتش**

**از شیوع ویروس کرونادر جزیره کیش پیشگیری شود**
علیرغم سرایت بیماری کرونا به برخی از شهرهای جنوبی کشور و به خصوص جزیره کیش، گویا اطلاع‌رسانی دقیق از آمار افراد درگیر بیماری در این جزیره به ستوی وزارت بهداشت و درمان اعلام نشده است.
سفر افرادی از اقصی نقاط کشور در جزیره کیش به متأسفانه افزایش یافته است و تمامی هتل‌ها و مهمانسراهای این جزیره نیز مسافری پذیرش می‌کنند و اکثر مکان‌های تفریحی و پاساژهای خرید آن هم شلوع است.
از مسؤولان وزارت بهداشت و درمان و دست اندرکاران مقابله با شیوع بیماری کرونا درخواست می‌شود برای جلوگیری از ورود مسافران و تعطیلی هتل‌ها و تفرجگاههای جزیره کیش اقدام کنند.

**احمدی – از ساکنان جزیره کیش**

**معرفی بیشتر استاد مجتبیایی در روزنامه اطلاعات**

از مسؤولون صفحه نظرها و اندیشه‌های روزنامه اطلاعات درخواست می‌کنم مقاله‌ها و کتاب‌های مجتبیایی را استناد قنایله مجتبیایی را در این مسی‌رود که در زمینه معرفی انواع مواد غذایی معدنی و چگونگی مصرف آنها به مردم از طریق رسانه‌های گروهی اطلاع‌رسانی کنند.
با توجه به این که آجیل و خشکبار از مواد بسیار مقوی و سالم برای تغذیه افراد و به ویژه سالمندان است، پزشکان و متخصصان تغذیه درباره نحوه مصرف و نوش آن‌ها در مقابله با ویروس کرونا اطلاعات کاملی را ارائه نمی‌دهند.
به نظر می‌رسد که آجیل و خشکبار قابلیت شست و شو دارند، اما مصرف مواد شست‌بندی شده این مشکلی ندارد و قابل اطمینان است؟
در ضمن از سسروس گزارش روزنامه اطلاعات تقاضای مساحبه با متخصصان تغذیه درباره معرفی ویتامین‌های موثر در مقابله با بیماری کرونا را داریم.

**خاتم شهروند از تهران**

**لرزم توقف فرانت کنتورها در آخرین ماه سال!**

درحالی‌که دولت و سازمان امور مالیاتی کشور به دلیل رکود اقتصادی حاصل از شیوع ویروس کرونا درباره بخشودگی‌های مالیاتی با افزایش مهلت پرداخت بدهی کسب و کاری ط طریق بخشودگی‌های مالیاتی می‌کنند،شرکتهای برق، گاز و آب در شرایط نامساعد حاضر نیز به فکر دریافت هزینه‌های مصرفی مشترکان خود هستند.
در شرایطی که مردم را به فرقیته خانگی تشویق می‌کنند، مأموران این شرکت‌ها مانند سابق برای نوشتن زنده مصرف به منزل شهروندان مراجعه می‌کنند که ممکن است موجب انتشار ویروس کرونا به کنتورها شود!
مسئولان شرکت‌های خدماتی انتظار می‌رود حداقل یک ماه انرژی‌های مصرفی را رایگان در اختیار مردم قرار می‌دهند و استفاده از نوشتن میزان مصرف کنتور مشترکان خودداری کنند.

**لرزم توقف فرانت کنتورها در آخرین ماه سال!**

درحالی‌که دولت و سازمان امور مالیاتی کشور به دلیل رکود اقتصادی حاصل از شیوع ویروس کرونا درباره بخشودگی‌های مالیاتی با افزایش مهلت پرداخت بدهی کسب و کاری ط طریق بخشودگی‌های مالیاتی می‌کنند،شرکتهای برق، گاز و آب در شرایط نامساعد حاضر نیز به فکر دریافت هزینه‌های مصرفی مشترکان خود هستند.
در شرایطی که مردم را به فرقیته خانگی تشویق می‌کنند، مأموران این شرکت‌ها مانند سابق برای نوشتن زنده مصرف به منزل شهروندان مراجعه می‌کنند که ممکن است موجب انتشار ویروس کرونا به کنتورها شود!
مسئولان شرکت‌های خدماتی انتظار می‌رود حداقل یک ماه انرژی‌های مصرفی را رایگان در اختیار مردم قرار می‌دهند و استفاده از نوشتن میزان مصرف کنتور مشترکان خودداری کنند.

**تلفن به سط ارتباطی**

شرکت فاقد علی‌البدل هیئت مدیره می باشد.

**۱۴)شرایط حضور و رای صاحبان سهام در مجامع عمومی:**در کلیه مجامع عمومی، صاحبان سهام می توانند شخصاً، یا وکیل یا قائم مقام قانونی اشخاص حقیقی، نماینده یا نمایندگان شخص حقوقی، صرف نظر از تعداد سهام خود به شرط ارائه مدرک و کالت یا نمایندگی، حضور به هم رسانند. هر سهامدار، برای هر یک سهم فقط یک رأی خواهد داشت.

**۱۵)مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود، تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه:**تصویب میزان سود تقسیمی جزء وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی می باشد و وضع اندوخته قانونی از سود خالص شرکت مطابق قانون تجارت انجام می شود. به پیشنهاد هیات

به ابلاغ می رسد-انده به استناد صوبه مجمع عمومی فوق العاده، مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۴ و مجوز شماره ۰۶۶-۹۹۴/۵۷۸-۰۴۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ (سازمان

















۵۲۹

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

سه‌شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۵۱۹

به بهانه افتتاح موزه نادر ابراهیمی

نویسنده‌ای که خود را می‌نوشت



۲۱



گنجینه آشنا

دکتر حسین الهی قمشه‌ای

### از شکسپیر تا هرمان هسه

شکسپیر، شاعر و مجنون و عاشق را از یک جنس می‌بیند. وجه اشتراک هر سه در این است که هر سه از خیالات عجیب و رؤیاهای مهتابی آکنده‌اند:

چشم‌های شاعر، در جنونی لطیف و متعالی، در چشمخانه می‌گردد و از آسمان تا زمین و از زمین تا آسمان، بلندای هستی را می‌نگرد؛ و در کارخانه خیال، هیولای گنگ و ناپیدای هستی را شکل می‌بخشد. آنگاه قلمش آنچه را که چون هوا نیست می‌نماید و به نام و نشان و چهره آشنا در میان می‌آورد (رؤیای شب نیمه تابستان، ۱۴، ۴)

\* شلی، شاعر رمانتیک انگلیسی در نیمه اول قرن نوزدهم، افزون بر شعرهای غنایی که تنها ادب انگلیس بلکه میراث فرهنگی جهان را غنا و رونق بخشیده است، مقاله مفصلی نیز به نثر در دفاع از شعر با عنوان «Defence of Poetry» نگاشته و در مقدمه آن توضیح داده که مقاله را به علت بی‌حرمتی و بی‌اعتنایی بسیاری از معاصران به ساحت شعر و شاعری به قلم آورده است.

او، ضمن تأکید بر جامعیت شعر به عنوان یک فرهنگ و ارتباط شعر با همه رشته‌ها و همه رشته‌ها با شعر، ایمان خود را به اندیشه ازلیت و آسمانی بودن شعر نیز بیان کرده است:

شعر به راستی یک گوهر الهی است که در آن واحد هم مرکز و هم محیط حلقه دانش است شعر همه دانش‌ها را در بر می‌گیرد و همه دانش‌ها بدان اشارت می‌کنند و هم زمان، هم ریشه و هم شکوفه همه نظام‌های فکری است

از شعر است که همه چیز نشأت می‌گیرد و همه چیز زیب و زیور می‌یابد شعر لحظه‌های مقدس شهود الهی را در انسان باز می‌خرد و از دستخوش فنا دور می‌دارد و باز در همین مقاله می‌گوید:

شعر همه چیز را دوست‌داشتنی می‌کند: آنچه را که در کمال زیبایی است تعالی می‌بخشد و آنچه را که سخت ناموزون و نازیباست از موهبت زیبایی برخوردار می‌کند

شعر وجد و شادی را با هول و هراس و رنج را با لذت و زمان را با ابدیت پیوند می‌دهد و همه تضادهای آشتی‌ناپذیر را در زیر یوغ خفیف خود جمع می‌کند کیمیای اسرارآمیز شعر

آب‌های مسمومی را که از اقلیم مرگ به سوی زندگی جاری است

همه را به طلای قابل‌نوش بدل می‌سازد و نقاب عادت و آشنایی را از چهره جهان بر می‌گیرد و آن زیبایی‌های عریان و خفته را که روح و جان جهان است در معرض تماشا می‌گذارد. (شلی، در دفاع از شعر)

\* هرمان هسه، نویسنده و شاعر لطیف طبع آلمانی، در افسانه کوتاهی به لطافت رؤیاهای نرگس و نسرين، ماهیت رؤیایی شعر را به زیبایی تمام خاطرنشان کرده است. این داستان، گویی خود پری‌رویی در پرده است که با اهتزاز نمۀ عود خود را به خوانندگان معرفی می‌کند.

ادامه دارد

### در نظر سنجی از ۶۰ نویسنده انتخاب شد

## ۳ رمان پرتعداد ایرانی در سال ۹۸

در نظر سنجی «ضمیمه ادب و هنر» روزنامه اطلاعات از ۶۰ نویسنده کشورمان، سه رمان پرتعداد سال ۱۳۹۸ انتخاب و معرفی شد. این سه رمان پرتعداد که هر کدام با ۱۵ امتیاز، بالاترین رأی را در این نظر سنجی کسب کرده‌اند، عبارتند از رمان: «بی‌گناهان» نوشته خانم آریتا خیری، رمان «سهم» من از تو» نوشته خانم زهرا کیانی و رمان «امضا» نوشته خانم ماندانا حیدریان.



خانم ماندانا حیدریان، شاعر و نویسنده و مترجم، متولد سال ۱۳۶۴ در تهران است که در سال ۸۹ برای ادامه تحصیل به سوئد رفت و هم اکنون فارغ‌التحصیل رشته علوم پزشکی از دانشگاه سوئد است.

وی در گفتگو با ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، گفت: فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۹۲ آغاز کردم. نتیجه تلاش هایم منجر به نوشتن و انتشار رمان «امضا» توسط انتشارات صدای معاصر شد و امسال پشت ویتترین کتابفروشی ها قرار گرفت.

ماندانا حیدریان افزود: هم اکنون عضو انجمن قلم سوئد می‌باشم و تاکنون پنج قطعه شعرم در کتاب سالانه مرکز «اوپسالا» به فارسی و سوئدی چاپ شده است. ضمن آنکه داستان های سوئدی را هم به فارسی ترجمه می‌کنم.

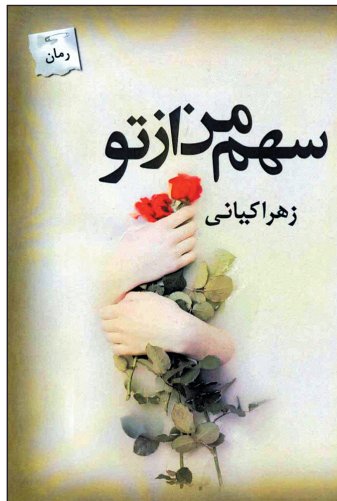
وی درباره کتاب های بعدی خود گفت: رمان های اشارات نظر، سکوت اجباری، کلاف، و «رمیده» را در دست چاپ دارم.

ماندانا حیدریان در باره رمان «امضا» گفت: این رمان مربوط به بخشی از زندگی دختری به نام بیتا هست که شخصیت اول داستان را روایت می‌کند. بیتا و برادرش «رضا»، کودکی خود را با از دست دادن پدر و مادرشان در سانه سقوط هواپیمای مسافری در خلیج فارس آغاز می‌کنند.

عمه ثریا که خود بنا به دلایلی ازدواج نکرده است، سرپرستی دو کودک تنها را بر عهده گرفته و برای آنها، هم‌پدری می‌کند و هم‌مادری....

در رمان «امضا» آمده است: دلخوش بودم که بناست باز هم او را در کنار خود داشته باشم. لحظه ای از ذهنم گذشت که آدمیزاد چه آسان خوی می‌گیرد به همه چیز؛ حتی آنچه که روزی آن را کوچک شمرده است. عمه کجا بود تا ببیند. می‌خواستیم نفسی راحت بکشیم و شکر گزار باشم. چون سقف خواسته هایم کوتاه شده بود.

کسی کل کشید، بلند و کش دار. مرتضی چشم در چشم من پیش رویم ایستاد. قلبم به تپش افتاد. نگاهش را تاب نیاوردم و سرم را پایین انداختم....



خانم زهرا کیانی، متولد سال ۱۳۵۲ در تهران است. نوشتن را به صورت حرفه ای از سال ۱۳۸۵ آغاز کرده است.

وی در گفتگو با ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، گفت: نخستین رمان خود را در سال ۸۷ نوشتم، اما به دلایل مشکلاتی که ناشر داشت، موفق به چاپ و انتشار آن نشدم.

زهرا کیانی اضافه کرد: با این وجود به تلاش خود ادامه دادم و در سال ۱۳۹۶ رمان «میمنت» را نوشتم که توسط انتشارات آریتا روانه بازار کتاب شد. امسال هم رمان «سهم من از تو» را نوشتم که توسط انتشارات پرسمان، چاپ و منتشر شده است.

زهرا کیانی در باره رمان جدید خود گفت: رمان «هر دوست داشتی عشق نیست» را برای نمایشگاه کتاب سال آینده آماده کرده ام.

وی درباره اینکه نوشتن رمان «سهم من از تو» چگونه کلید خورد؟ پاسخ داد: زلزله بم در کرمان، تاثیر احساسی زیادی روی من داشت و به همین دلیل به فکر نوشتن داستانی با مضمون این واقعه ویرانگر افتادم.

وی افزود: تلاش کردم داستانتان را طوری بنویسم که پایان بخش آن، مسایل مربوط به زلزله بم باشد و به نوعی دین خود را به هموطنان عزیزم که در این زلزله آسیب دیدند، ادا کرده باشم....

در رمان «سهم من از تو» مرد جوانی به نام حمید که پس از گذشت بیش از دو سال به دیدار دوست قدیمی اش بایک رفته، به مرور گذشته و دلایلی که سبب جدایی او از همسرش فتانه شد، می‌پردازد.

در این رمان آمده است: روزنامه ای روی داشبورد بود که برش داشتم، گفتم تا بیان خودم رو سرگرم کنم. به خودکار از تو کیفم درآوردم جدولش رو حل کنم.

همین طور که ورق می‌زد، نگام رو به صفحه خشک شد. با دیدن عکسم تو قسمت گمشده ها نزدیک بود سخته کنم. برای به لحظه حس کردم فلج شدم. قدرت هیچ حرف کنی نداشتم. نام و نشونی ها درست بود....



خانم آریتا خیری، متولد سال ۱۳۵۹ و در رشته زمین شناسی تحصیل کرده است و شاید پر کارترین نویسنده طی سال های اخیر باشد

که ۱۰ رمان منتشر شده در کارنامه خود دارد و رمان «بی‌گناهان» او یکی از سه رمان برتر امسال شده است.

این نویسنده در گفتگو با ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، درباره شروع به رمان نویسی گفت: یک روزی در حاشیه مطالعه برای شرکت در کنکور ارشد زمین شناسی، در گوشه کتابم نوشتم: «به سستی روی یکی از صندلی های سالن شلوغ ترمینال، جای خالی پیدا کردم».

این نوشته، اولین جمله رمان «چه ساده شکستیم» شد که در سال ۹۲ به عنوان نخستین تجربه نویسنده‌گی، مرا وارد دنیای ادبیات کرد.

وی اضافه کرد: نوشتن همیشه برایم دغدغه بوده به عنوان یک تریبون قوی، و سعی کرده ام با داستان هایم حرفی برای مخاطب داشته باشم.

آریتا خیری درباره رمان هایش گفت: رمان دوم را با نام «دختر ماه منیر» نوشتم و پس از آن نیز رمان «در میان مه» را در سال ۹۴ و سال بعد هم رمان «خانه امن» را منتشر کردم.

در ادامه هم رمان های «بوی درختان کاج»، «کوچه دلگشا»، «عاشق شدم»، «شاخه نبات»، «فصل میوه های نارنجی» و رمان «بی گناهان» را منتشر کردم که رمان «بی گناهان» از خرداد امسال تاکنون به چاپ چهارم رسیده است. وی افزود: رمان «من غلام قمرم» را هم نوشته ام که در نمایشگاه کتاب سال آینده، عرضه خواهد شد....

این نویسنده در رمان «بی گناهان» نوشته است: هوا گرگ و میش بود، اما نه آن قدر که نشود رنگ پوسیده در را دید و آن «یاحق» ی که روی دو لنگه اش نوشته بود.

از پشت شیشه ماشین زل زد به خط شکسته ده سالگی اش و یکباره بوی ترش دوات و صدای چرخش نی قلم های باریک دایی، توی ذهنش پیچید....





دانش‌نویس‌های آهان آهان دار  
محبوب صالح علا

۱۰۸

## من همه عمر، توی خودم بودم!

محبوب من! چه سرمایی، دل من دم به دم می ریزد. مثل درختان در پاییز.

محبوب من! شما که نیستید، متصل برف می بارد. و من آنقدر منتظر شما ماندم تا بالاخره آمدید. برای من دو چشم، و دو ابرو و یک دهان بسته گذاشتید. من با همان چشم‌های ذغالی، شما را تماشا کردم، تا که کم کم آب شدم. چه زمستانی، چه سرمایی، چه عاشقان ریخته و یخ بسته ای!

محبوب من! یک عمر است که روز و شب در پی شما دویده ام. حالا که به اینجا رسیده ام، اجازه می دهید که کمی خسته شوم؟

محبوب من! اگر مردی در آخرین نفسش، لبخندی بزند و تمام کند، او عاشق بوده است. برای همین، گفتم که: اگه مقتول تو باشم، دم جون دادن می خندم.

محبوب من! در این روزگار، تنها دوست داشتن شماس است که کسی نمی تواند آن را دستکاری کند. که عشق دستکاری شده را نمی توان بازیابی کرد.



محبوب من! تا امروز، به هر جا رفته ام، از راه خیال شما رفته ام. و از هر جا که بازگشته ام، از همان راه برگشته ام.

محبوب من! من همه عمر، توی خودم بوده ام. سر در گریبان داشته ام. شما که آمدید، از خود در آمدم. مثل لاک پشتی که سراز لاک بیرون کشیده باشد.

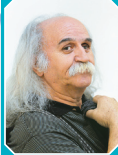
محبوب من! دور از شما در همه خواب‌هایم شب و روز برف می بارد. پرسیدم خواب‌های مرا در چنین زمستانی تعبیر چیست؟ معبری گفت: تعبیر آن است که زمستان تمام می شود و محبوب خواب دیده با بهار می آید. گفت که در خواب عاشق برف می آید، تا زخم دل عاشقان را بپوشاند.

محبوب من! در هر آینه که نگاه می کنم، در آن، صدای شما را می شنوم.

محبوب من! خوشبختی‌ها اندازه‌های کوچک و بزرگی دارند. خوشبختی به اندازه یک دانه شکر، خوشبختی به اندازه یک حبه قند، خوشبختی به اندازه یک سیب سرخ رسیده، به اندازه یک قوطی کبریت، بزرگ‌تر و بزرگ‌تر. فقط خوشبختی با شما به بزرگی دنیا است.

محبوب من! من پیش از شما هم خوشبخت بوده ام. خوشبختی بی به اندازه یک قطره آب. با شماس است که خوشبختی من، قد دنیا است.

محبوب من! وقتی نفسم می گیرد و می میرم، وقتی است که دوری شما به بیش از حد مجاز رسیده باشد.



حسن فرامند

## واکوی سرگذشت واقعی رادیو - ۳۷

# ماجرای ساخت اولین ایستگاه رادیویی در تهران

نقاط مختلف بهره مند می شوند. اما گویا کار انتشار این خبر بیخ پیدا می کند و مدعیانی به وزارت پست و تلگراف و تلفن فشار می آورند که خبر را اصلاح کند و به این خاطر، وزارتخانه مزبور، سه روز بعد اخبار تکمیلی این رویداد مهم را به این شرح برای جریده اطلاعات می فرستد و چاپ هم می شود که نظر به اهمیت تاریخی این مطلب، من بریده این خبر را هم به طور کامل آورده ام.

## جزئیات بیشتر درباره تأسیس ساختمان رادیو در تهران

۱۷ بهمن ۱۳۱۷/ در چنین روزی وزارت پست و تلگراف و تلفن، جزئیات بیشتری از تأسیس نخستین ایستگاه رادیویی در تهران را با اطلاع عموم رسانید. در این توضیحات آمده است که: برای تأسیس تلفن بی سیم و توسعه مخابرات تلگرافی و تأسیس پخش صدا (رادیو) و تلویزیون در ایران، طرح لازمه به طریق زیر تهیه شده است:

الف - توسعه مخابرات تلگرافی و بی سیم و تأسیس تلفن بی سیم  
یک دستگاه موج کوتاه قوی تلگرافی و تلفنی سال گذشته (۱۳۱۶) از کمپانی تلفنک آلمانی خریداری شده که در اوایل سال ۱۳۱۸ شروع به نصب و در اواسط همان سال دایر و مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ب- پخش صدا  
برای تأمین پخش صدا در تهران که تمام مردم بتوانند با داشتن دستگاه‌های گیرنده فوق العاده ارزان استفاده کنند، یک دستگاه موج متوسط از کمپانی تلفنک آلمانی سال گذشته خریداری شده که اواسط سال ۱۳۱۸ نصب می شود.

به علاوه، دستگاه فرستنده موج کوتاه قوی برای پخش صدا در ایران و انتشار در کلیه نقاط دنیا، اعم از دور نزدیک، به قدرت‌های مختلف از کمپانی استاندارد انگلیس خریداری و در اواخر سال ۱۳۱۸ عملی خواهد شد.

محل نصب دستگاه‌های فوق در مرکز فرستنده بی سیم قصر است که بنای لازمه آن هم توسط شرکت هوشی (آلمان) شروع شده است. ضمناً از نظر این که شهرستان‌ها هم بتوانند از دستگاه‌های گیرنده ساده و ارزان استفاده نمایند، برای شهرستان‌های مهم، دوازده دستگاه فرستنده موج متوسط کوچک از کمپانی تلفنک آلمانی، در سال جاری خریداری شده تا برنامه مرکزی که در تهران اشاعه خواهد یافت، شهرستان‌ها هم از به وسیله دستگاه‌های خود آن را انتشار دهند و به این ترتیب کلیه اهالی کشور با داشتن گیرنده‌های ساده و ارزان قیمت، از برنامه مرکزی استفاده خواهند نمود.

برای ساختمان عمارت دستگاه فرستنده رادیو استاسیون > در تهران از چندین یشت و تلگراف اقدام نموده و پس تهیه کتابچه مشخصات فنی بنای مزبور آگهی آن منتشر گردیده و در نتیجه شرکت ایرانی هوشی که تاکنون ساختمان‌های قطعه ۹ راه آهن جنوب و قطعه ۲ سمنان بگرمسار را انجام داده است مهتدا را ساختمان عمارت دستگاه فرستنده تهران (رادیو استاسیون) گردیده و اینک قریب ده روز است که در زمین‌های مجاور تلگراف بی سیم قصر > سر راه شمیران شروع به بی دیزی و کارهای مقدماتی نموده است >

برای خرید دستگاه ماشین فرستنده رادیو کنسرت مرکزی و همچنین بلندگوهای رادیو جهت شهرستانها نیز از طرف وزارت پست و تلگراف اقدام و بقرارداد کمپانی آ ۱۰۰ ک وارد و نصب کننده آن می باشد و بعد از خاتمه ساختمان عمارت در آنجا نصب خواهد گردید >

از دستگاه رادیو کنسرت مرکزی که دارای امواج متوسط می باشد علاوه بر شهرستانها و نقاط مختلف کشور ماکتورهای همایه و ممالک شرقی نیز می توانند استفاده کنند >

اساسنامه آموزشگاه پرورش افکار

توسعه مخابرات تلگرافی بی سیم و تأسیس تلفن بی سیم  
تأسیس دستگاه پخش صدا برای استفاده عمومی در کشور  
بروزی که سر روز جمعه در سینه دوم راجع ساختمان عمارتی در مرکز فرستنده بی سیم قصر منعقد شده بود و همچنین در محفل بی سیم از طرف وزارت پست و تلگراف جاسی یادآور رسیده که در زیر منتشر میشود >

اداره روزنامه اطلاعات  
در اطلاعات هر جمعه مورخه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۷ راجع بسیاری که در مرکز فرستنده بی سیم (قصر) ساخته می شود و همچنین در محفل بی سیم و نصب دستگاه بی سیم بوسیله کمپانی آ ۱۰۰ ک هرگز نوشته شده بود چون بی واسطه معلوم گردید موضوع آنطور که باید ترویج ندهد است لذا بوسیله اطلاعات صحیح را در دسترس می گذارد >

برای تأسیس تلفن بی سیم و توسعه مخابرات تلگرافی و تأسیس پخش صدا (رادیو و تلویزیون) در ایران طرح لازمه بطریق زیر تهیه شده است

الف - توسعه مخابرات تلگرافی بی سیم و تأسیس تلفن بی سیم  
یک دستگاه موج کوتاه قوی تلگرافی و تلفنی سال گذشته از کمپانی تلفنک آلمانی خریداری شده که در اوایل سال ۱۳۱۸ شروع به نصب و در اواسط همان سال دایر و مورد استفاده قرار خواهد گرفت >

ب- پخش صدا  
برای تأمین پخش صدا در تهران که تمام مردم بتوانند با داشتن دستگاه‌های گیرنده فوق العاده ارزان استفاده کنند، یک دستگاه موج متوسط از کمپانی تلفنک آلمانی سال گذشته خریداری شده که اواسط سال ۱۳۱۸ نصب می شود.

به علاوه، دستگاه فرستنده موج کوتاه قوی برای پخش صدا در ایران و انتشار در کلیه نقاط دنیا، اعم از دور نزدیک، به قدرت‌های مختلف از کمپانی استاندارد انگلیس خریداری و در اواخر سال ۱۳۱۸ عملی خواهد شد.

محل نصب دستگاه‌های فوق در مرکز فرستنده بی سیم قصر است که بنای لازمه آن هم توسط شرکت هوشی (آلمان) شروع شده است. ضمناً از نظر این که شهرستان‌ها هم بتوانند از دستگاه‌های گیرنده ساده و ارزان استفاده نمایند، برای شهرستان‌های مهم، دوازده دستگاه فرستنده موج متوسط کوچک از کمپانی تلفنک آلمانی، در سال جاری خریداری شده تا برنامه مرکزی که در تهران اشاعه خواهد یافت، شهرستان‌ها هم از به وسیله دستگاه‌های خود آن را انتشار دهند و به این ترتیب کلیه اهالی کشور با داشتن گیرنده‌های ساده و ارزان قیمت، از برنامه مرکزی استفاده خواهند نمود.

بسیاری از خوندگان این پاورقی که سرگذشت برخی از بنیان گذاران رادیو تهران ظرف هفته‌های گذشته را مرور کردند، در تماس‌های تلفنی و پیام‌هایشان از من خواستند کمی هم درباره ساخت نخستین ساختمان فرستنده پخش صدا یا همان رادیو تهران بنویسم.

به عرض همه عزیزان برسانم که دست‌اندرکاران تأسیس رادیو در آن روزگار، مسئولان فنی وزارت پست و تلگراف و تلفن بودند که در آن وقت‌ها به آن تأسیس رادیو استاسیون می گفتند و کلمه «استاسیون» هم به معنی ایستگاه بود که هنگام تأسیس راه آهن نیز همین واژه برای ایستگاه راه آهن به کار برده می شد و جراید با تیتیر درشت می نوشتند شاهنشاه، استاسیون راه آهن تهران را افتتاح کرد.

طبق تحقیقاتی که من کردم، اولین قدم‌ها برای تأسیس ایستگاه رادیو در تهران، از سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ شروع شد و اما نخستین خبر در باره تأسیس ساختمان رادیو در تهران در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۱۷ در جریده اطلاعات به چاپ رسید که من کامل آن را بریده ام و در این صفحه آورده ام که ملاحظه می فرمایید.

## ساخت نخستین عمارت دستگاه فرستنده رادیویی در ایران

۱۴ بهمن ۱۳۱۷: در چنین روزی وزارت پست و تلگراف و تلفن با انتشار خبری در جریده اطلاعات اعلام کرد که ساخت رادیو استاسیون (ایستگاه رادیو) در زمین‌های مجاور تلگراف بی سیم قصر - سر راه شمیران - شروع شده است.

در این خبر آمده است: «برای ساختمان عمارت دستگاه فرستنده (رادیو استاسیون) در تهران، از چندین یشت، وزارت پست و تلگراف اقدام نموده و پس از تهیه کتابچه مشخصات فنی، آگهی ساخت بنای مزبور منتشر گردید و در نتیجه یک شرکت ایرانی که هم اکنون ساختمان‌های قطعه ۹ راه آهن جنوب و قطعه ۲ ساختمان راه آهن سمنان به گرمسار را انجام داده است، عهده دار ساختمان عمارت دستگاه فرستنده تهران (رادیو استاسیون) گردیده است.»

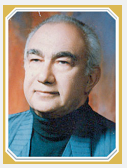
در ادامه این خبر

آمده است: «برای خرید دستگاه ماشین فرستنده رادیو کنسرت مرکزی و همچنین بلندگوهای رادیو جهت شهرستان‌ها نیز از طرف وزارت پست و تلگراف اقدام شده و به قرار اطلاع کمپانی «آ.ا.گ» وارد می کند و نصب آن بعد از خاتمه ساختمان عمارت، در آنجا انجام خواهد شد. از دستگاه رادیو کنسرت مرکزی که دارای امواج متوسط می باشد، شهرستان‌ها و





دوستانی بهتر از آب روان  
خاطرات من و سهراب



دکتر حبیب‌الله مناعتی ۶۴

«ای پسر! اگر شاعر باشی، جهد کن تا سخن تو سهل و ممتنع باشد و بهره‌یز از سخن غامض، و به چیزی که تو دانی و دیگری نداند که به شرح، حاجت افتد، مگوی که شعر از بهر، مردمان گویند نه از بهر خویش، و به وزن و قافیت قناعت‌مکن و بی‌صناعتی و ترتیبی شعر مگوی. اما اگر خواهی که سخن تو عالی باشد و بماند، بیشتر سخن مستعار گوی و استعارت بر ممکنات گوی... زینهار که شعر گران و عروضی‌نگویی، که گرد عروض و وزن‌های گران کسی گردد که طبع ناخوش دارد و عاجز بود از لفظ خوش و معنی ظریف...»

بیشتر اشعار سپهری از مقوله سهل و ممتنع برخوردار است. به علاوه آن‌چنان که نوشته‌اند سروده‌های سپهری برای ترجمه به زبان‌های دیگر بسیار مناسب است.

#### سپهری و تنهایی

واژه تنهایی در سروده‌های سپهری، بسامد بسیار دارد. چنان‌که شمرده‌ام (اگر درست باشد!) در «هشت‌کتاب» ۶۹ بار این واژه تکرار شده است. به علاوه برخی از قطعات دارای مضمون تنهایی است، اما واژه تنهایی در آنها دیده نمی‌شود. سپهری از اول نوجوانی تا پایان عمر کوتاه خود، همواره تنهایی را دوست داشت و این عجین شده در ذات و سرشت او بود. وقتی مقاله‌ای مرا در شرح حال خودش در روزنامه عصر امید کاشان خوانده بود که نوشته بودم تنهایی را دوست دارد و از اجتماعات گریزان است، در نامه‌ای برایم نوشت «بهتر از هر کس مرا شناخته‌ای. من همیشه از اجتماعات گریزان بوده‌ام».

چرا سپهری این چنین با تنهایی دمساز بوده است؟ او همه را دوست می‌داشت و همه او را دوست می‌داشتند. اهل سیاست نبود. کسی را با سختش یا رفتارش رنجه نمی‌کرد. با این وصف، عاشق تنهایی بود. همگان، حتی آنانی که در مسایل هنری با او اختلاف داشتند، او را بسیار دوست می‌داشتند.

خوب است اشاره‌ای داشته باشم به گفتار زنده‌یاد «احمدشاملو» (۱۳۰۴ - ۱۳۷۹) پژوهنده - نویسنده، شاعر، منتقد، روزنامه‌نویس، فرهنگ‌نویس) که در کتاب «درباره هنر و ادبیات»، دیدگاه‌های تازه احمد شاملو به کوشش ناصر حریری، نشر آویشن (۱۳۷۲) درج شده است:

**«درباره سهراب سپهری نظر تان چیست؟**  
باید فرصتی پیدا کنم یک بار دیگر شعرهایش را بخوانم، شاید نظرم درباره کارهایش تغییر پیدا کند. یعنی شاید بازخوانیش بتواند آن عرفانی را که در شرایط اجتماعی سال‌های پس از کودتای ۳۲ در نظرم نامربوط جلوه می‌کرد امروز به صورتی تو جیه کند. سر آدم‌های بی‌گناهی را لب‌جوب می‌برند و من دو قدم پایین‌تر بایستم و توصیه کنم که:

#### «آب را گل نکنید»

تصورم این بود که یکی‌مان از مرحله پرت بودیم، یا من یا او. شاید با دوباره‌خوانیش به کلی مجاب شوم و دست‌های بی‌گناهش را در عالم خیال و خاطره غرق بوسه کنم. آن شعرها گاهی بیش از حد زیبا است. فوق‌العاده است، اما گمان نمی‌کنم آberman به یک جو برود. دست کم برای من، فقط زیبایی کافی نیست. چه کنم؟ اختلاف ما در موضوع کاربرد شعر است. شاید گناه از من است که ترجیح می‌دهم شعر شیپور باشد نه لالایی. یعنی بیدارکننده نه خواب‌آور.

**«نمی‌شود گفت منظور او از گل نکردن آب همان بوده و اختلاف ناشی از آن است که شما به سطح شعر نگاه کرده‌اید؟**

... نه. گیرم این شعر را از این زاویه دیدیم، تکلیف باقی اشعارش چه می‌شود؟ آیا می‌شود این برداشت را به سایر اشعار او هم تعمیم داد؟ می‌بینید که نمی‌شود، می‌دانید؟ شاعر ذاتاً آنا‌رشیست است. آنا‌رشیست به مفهوم واقعی کلمه، نه به آن معنای حقه‌بازانه‌ای که به آن داده‌اند یعنی نه به معنای دیوانه هرج و مرج طلب که این حرف‌ها به کلی خلط می‌بحث است.»

ادامه دارد

#### به بهانه افتتاح موزه نادر ابراهیمی

## نویسنده‌ای که خود را می‌نوشت

• رضا محمدنیا

#### چهل نامه کوتاه به همسر

ولع نادر برای یادگرفتن، تمامی نداشت. او هر روز یک درس‌ر تازه برای خودش دست و پا می‌کرد و این دفعه نوبت به خوشنویسی رسید. به سراغ استاد بیژن بیژنی رفت تا زوروی دست او بنویسد. تمرینات خوشنویسی نادر هم حکایتی داشت. به عادت دوران نامزدی، نامه‌هایی برای فرزانه می‌نوشت و بانوهم از این قربان صدقه رفتن‌های مکتوب نادر کیف می‌کرد.

فرزانه نامه‌ها را در جای جای خانه نصب می‌کرد تا که پیش چشمش باشد. مهمان‌هایی که به خانه آنها می‌آمدند، ایستاده نامه‌ها را می‌خواندند و می‌گفتند: «ما هم می‌خواهیم همین را به همسران مان بگوییم، اما بلد نیستیم.» همان جا بود که ایده کتاب «چهل نامه کوتاه به همسر» در ذهن نادر جان گرفت و هنوز هم طرفداران دو آتشۀ خودش را دارد. دختران جوانی که چهل نامه او را خوانده‌اند با فرزانه تماس می‌گیرند و می‌گویند که می‌خواهند تا این کتاب را به عنوان جویز به به خانه بخت ببرند.

#### روزی که هوا ایستاد!

خانه آنها پراز دست‌نوشته و فیلمنامه بود. تعدادی از این فیلمنامه‌ها به بار نشست و تعدادی دیگر در حد یک حسرت باقی ماند و هیچ وقت فیلم نشد. نام یکی از این حسرت‌های بزرگ «برجاده‌های آبی سرخ» بود. کتابی که درباره میرمهنا، یکی از مبارزان دوران استعمار در جنوب ایران بود و نوشتنش ۱۵ سال طول کشید. چند جلدش درآمد، اما هیچ وقت اسم هیچ فیلمی نشد.

نادر استاد از کادر آوردن فیلمنامه‌ها بود. آتش بدون دود را چنان عالی ساخت که حتی یک مهندس نفت از جنوب برای دیدن فیلم نادر به تهران می‌آمد و برمی‌گشت. البته از همقطار علی حاتمی، ناصر تقوایی و ایران درودی، غیر از این هم انتظاری نیست. این اسم‌های بزرگ، همکاران نادر در تلویزیون بودند.

در آن سال‌ها که ساختمان اصلی تلویزیون در حال تعمیر بود، تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌های سازمان را به ساختمانی که به بخش لابراتوار و تدوین فیلم اختصاص داشت، انتقال داده بودند. آنها چهار نفر بودند و دوسال بعد به حدود ده نفر رسیدند. خانم ایران درودی می‌گفت که وقتی پای میز تدوین فیلم نادر می‌نشستیم، انگار که نقاشی می‌دیدیم. با همه این تعریف‌ها اما فیلم «روزی که هوا ایستاد»، حکایت دیگری داشت. فیلمنامه‌اش عالی بود. هر کسی که می‌خواند، کیف می‌کرد و می‌گفت که این محشر را بساز. اما روزی که فیلمش را ساخت، فهمید که درنیا شده است. البته عیب از فیلمسازی نادر نبود. او کارش را بلد بود، اما آن تومور لعنتی، کار را خراب کرده بود و نای نادر را گرفته بود.

#### دوران پس از نادر

حالا دیگر سال‌ها گذشته است و ما باید با هنر و ادبیاتی که نادر ندارد، سرکنیم. کاری هم نمی‌شود کرد، جز این که بیشتر به او و آثارش بپردازیم تا بچه‌هایمان با شنیدن نامش هاج و واج نگاه مان نکنند و او را به جا بیاورند. افتتاح کتابخانه و موزه زنده یاد نادر ابراهیمی قدمی در این راه است.

چقدر کیف می‌دهد که دست بچه‌هایمان را بگیریم و آنها را به آنجا ببریم تا با کتابخانه‌ای شامل ۵ هزار جلد کتاب، دست‌نوشته‌ها، لوازم کوهنوردی و جوایز مردی آشنا شوند که نوشته‌هایش بزرگتر از جایزه‌هایش بود. بزرگتر از جایزه تعلیم و تربیت یونسکو، براتیسللا و فستیوال کتاب‌های کودکان توکیو.

بود.

فرزانه منصوری، همسر نادر بود. آنها چنان به هم دل بستند که زندگی‌شان پراز حماسه‌های دو نفره شد. در دوران تلخ تنگدستی، فرزانه خطاطی می‌کرد و نادر نقاشی روی لباس‌ها را انجام می‌داد و آنها را به رهگذران می‌فروخت. خلاصه اینکه نادر با فرزانه کم نمی‌آورد. دو کتاب «این مشغله» و «ابوالمشاغل»، راوی قصه‌هایی از این دست‌اند. قصه مشاغل نادر و مصائب آن.

#### سرگذشت عشق

بخش مهمی از عاشقانه‌های فرزانه و نادر، در یک خانه اجاره‌ای در خیابان امیرآباد، جان گرفت. خانه‌ای پراز ماجرا. اتاق نادر، مثل خودش نادر بود. یک اتاق کارمنظم با مقواهای سفید بزرگ مستطیل شکل و کارهایی که با ماژیک‌های رنگی نوشته شده بودند. بانوی خانه، معلمی هم می‌کرد و این یعنی آنکه در این خانه از اتوبان یک طرفه بانو بیزد و آقامیل کند، خبری نبود. هر دو باید به هم کمک می‌کردند.



گاهی می‌شد که یک پای نادر در آشپزخانه بود و پای دیگرش در اتاق کار. هنگام ظرف شستن و سفره گذاشتن، به هنر و ادبیات فکری می‌کرد. ناگهان ظرف‌ها را رها می‌کرد و دوان دوان به اتاق کارش می‌رفت و چیزی می‌نوشت و برمی‌گشت. او به قلمش بیشتر از حافظه‌اش ایمان داشت. می‌گفت جمله مهمی بود و ممکن بود فراموشش کند. جالب است بدانید که فرزانه از ادبیات خوشش نمی‌آمد اما در عوض عاشق نادر بود. روزی که کتاب «یکلیا و تنهایی او» را از نادر هدیه گرفت، فهمید که در خانه‌اش یک رقیب جدی دارد که ممکن است قلب نادر را بدزد. رقیبی به نام ادبیات! البته عاقبت، عشق به نادر کار خودش را کرد و از فرزانه هم یک طرفدار پروپا قرص ادبیات ساخت که حتی کم‌دی الهی داتنه را هم می‌خواند.

#### اصول نادر

«بی‌پول شدم و باید سری به کتابفروشی‌ها بزنم و پول‌ها رو جمع کنم». جمله تکراری نادر به خواهرش مریم که حکایت همه‌نویسنده‌هاست. او هیچ وقت پولدار شدن را یاد نگرفت. نه آن موقع که می‌نوشت و نه وقتی که فیلمی ساخت. بلد نبود چون اصول داشت. سر صحنه فیلم «صدای صحرا» بود که تهیه‌کننده کار، پنج نفر از بانوان هنر جو را به نادر معرفی کرد تا به عنوان سیاهی لشکر، در فیلم حضور داشته باشند، اما زور اصول نادر از دسته‌چک آن آقا بیشتر بود. سلامت فیلم برای نادر مهم بود. آن قدر مهم که از همسر و خواهرانش در برابر دوربین «آتش بدون دود» استفاده کرد تا تن به فضای ناسالم سینمای آن روز کار ندهد.

جمله است و همه مامردانی را می‌شناسیم که گریه هم می‌کنند و اتفاقاً بعضی از این مردان، واقعاً آدم‌های بزرگ اند. مثلاً نادر ابراهیمی!

او هیچ وقت احساسش را پشت چهره مردانه‌اش پنهان نمی‌کرد. گاهی در اتاقش می‌نشست و برای آخر و عاقبت شخصیت‌های داستانی خودش یک دل‌سیر گریه می‌کرد. انگار که همین الان خبری ناراحت‌کننده از خانواده‌اش به گوشش رسیده باشد. تقدیر قلمش، هم دلش را می‌شکست و هم بغضش را. همسر آقای نویسنده می‌گوید که گاهی نادر با چشمانی غمگین به خانه می‌آمد و غلش دیدن یک منظره تا سفسار در خیابان بود. او نمی‌توانست مشکلات جامعه را ببیند و خود را به آن راه‌بزد و مصداق شتر دیدی، ندیدی باشد.

#### شانس بزرگ نادر

زندگی نادر، شبیه قصه‌هایش بود. پراز بالا و پایین‌هایی که هر نویسنده‌ای را وسوسه می‌کرد تا داستانی درباره‌اش بنویسد. درباره هنرمندی که دستفروشی هم کرده است. حتماً می‌پرسید چرا؟... موضوع برمی‌گردد به سال‌های قبل از انقلاب. حزب توده تهدید کرده بود که کتاب‌های او را از ویرترین مغازه‌ها جمع کنند. به همین دلیل کتاب‌ها فروش نمی‌رفت و طبیعتاً هیچ ناشر-عقالی هم یک کتاب بازنده را چاپ نمی‌کرد.

روزگار داشت با او بد تا می‌کرد. غم‌نان امان می‌برد و چوب‌لای چرخ زندگی‌اش می‌گذاشت، اما نادر یک شانس بزرگ داشت که دستش را می‌گرفت و کار را برایش درمی‌آورد. اسم آن شانس بزرگ، فرزانه





• منوچهر دین پرست

نگاهی به فیلم «پاسیو» به کارگردانی مریم بهرام‌الومو

## زوال عشق



که در خرده داستان‌های متعدّدش می‌خواهد حضور چند زن را روایت کند. زن بابا، زنی جوان در میان دو عاشق و زنی جوان که مردی متاهل دل به او بسته است. شاید در چنین مثلی بتوان با ظرافت، روایت‌های شهوانی از حضور زنان را که این چنین دستمایه مردانی مستبد و خودرأی شدند، به بوته نقد و تأمل کشاند.

اما استیلای تاریخی و اسطوره‌ای چنین باوری، گویی از نسلی به نسلی دیگر، به شکلی نظام مند منتقل می‌شود. در این مسیر، ما شاهد زوال عشق به معنای واقعی آن هستیم. چیزی که کارگردان سعی کرده تا در لایه‌های مختلف فیلم معنای زوال یافته عشق را با خرده روایت‌ها و نمادها به مخاطب بازگو کند.

او توانسته است پرده بنیان وهم آلود عشق را کنار زند و در لحظاتی غافلگیر کننده، مخاطب را با شوکی مقطعی به بصیرتی بی‌سرانجام رهنمون سازد. شاید در این مرحله است که می‌توانیم با کارگردان هم‌آوا شویم که چرا زنگی که خراب است، درست نمی‌شود.

زنگی که می‌تواند خبر از کسی دهد که برون ایستاده و بر اهل خانه خبر از حضور خود می‌دهد. اما همه غافلند که نه از آنکه برون ایستاده خبری هست و نه آنان که در خانه هستند، می‌دانند چه خبر است. اغتشاشی از جنس بی‌معنایی همه چیز را فرا گرفته و نگاهی پوچ و سرد و سرشار از حیرت ما را با خود همراه می‌کند.

«پاسیو» اگرچه بزکی عاشقانه از دوران معاصر ما دارد، اما نمی‌توان به سهولت، آن را درامی عاشقانه توصیف کرد. فیلم متعلق به دورانی است که ته‌مایه‌های فکری و معرفتی کسانی چون کیمیایی و فرهادی را می‌توان در آن به تماشا نشست.

ته‌مایه‌ای که سال‌ها توانستند مخاطب را با خود همراه و در سیاهی دیوار رها کنند. بر این اساس است که شیب ملایم عاشقانه فیلم، توانسته موقعیت متزلزل زن جوان را در تکانه‌های هیجان و شور و جنون، غیرمنطقی جلوه دهد.

زنان و حضور آنان در زیست مردانه شهری، از جمله موضوعات جذاب و اغوا کننده‌ای است که بسیاری از هنرمندان و داستان‌نویسان و حتی شاعران را به خود جذب کرده است. آنان در پی تایید حضور و نقش بی‌بدیل زنان در مناسبات زندگی هستند.

در این میان، عده‌ای به خلق روایت‌هایی روی می‌آورند که نشان دهنده برخی از رویدادها و اتفاقات درباب حضور زنان در جامعه است. اما پیامد آن تا حدودی فانتزی و شاید اغراق آمیز باشد. چرا که نمی‌توانیم از جنبه‌های واقعی و حقایقی که در بطن آن وجود دارد، چشم‌پوشید.

فیلم «پاسیو»، از جمله همین فیلم‌هاست که با درونمایه‌ای زنانه، سعی کرده تا محیطی بلورین را روایت کند که زنان در آن در نقش‌های مختلف ظاهر می‌شوند. شاید مهم‌ترین نقشی که در این فیلم، بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، نقش عاشقانه آن در خرده داستان‌ها و روایت‌های مختلف است. روایت‌هایی که گاهی بیش از اندازه اغراق آمیز است و گاه نیز از شدت واقعیت در چشم فرو می‌رود.

چارچوبی که کارگردان برای فیلم تعیین کرده، چارچوبی معنادار است. او تعمداً و آگاهانه، می‌خواهد مخاطب را درگیر عاشقانه‌ای در زیست شهر و با استیلای مردانگی کند که ما نه تنها به لایه‌های مختلف زیست شهری، بیش از هر چیز دیگری، واقف شویم، بلکه نگرش‌ها و باورهای مختلف را نیز به دیدی نقادانه و شاید کنجکاوانه بنگریم.

در بخشی از کلیت فیلم نیز ما با زنی رو به رو می‌شویم که نه تنها عاشقانه‌اش رو به زوال و نابودی است، بلکه همان زن قربانی است که گویی به خاطر وضعیت نگون بخت تاریخی و اجتماعی، باید در دست مردی قرار گیرد که خرجش را بپردازد. همان روایت تکراری و نخ‌نما شده که حتی و شاید زنان امروزی از مضمون آن دچار تهوع شوند.

در چنین کلیتی، فیلمساز همچون عملی اخلاقی - اجتماعی که ورود به آن نیازمند دانسته‌ها و باورهای متعددی است، می‌خواهد بنیان‌های متافیزیکی چنین باورهایی را نیز به چالش بکشد. او زن را





بزرگداشت ادبی



دو شعر از محتشم مؤمنی (سامان)  
به مناسبت ۲۵ اسفند  
بزرگداشت پروین  
اعتصامی

بانوی شعر

آن که شعر و سخنش شیرین است  
«آختر چرخ ادب پروین است»  
اسوه در شعر و ادیبی فاضل  
که به گلزار ادب نسرين است  
شعر او بس که بود ناب و نکو  
بر وی از پیر و جوان تحسین است  
در سخن‌های خوش و پندآمیز  
دهر و سعدی مهر آیین است  
باغ شعرش چو گلستان بهار  
مهد گل‌های خوش و رنگین است  
دفتر شعر و سرودش ما را  
هر کجا هم‌ره و هم‌بالین است  
سخنش می‌دهد آرام و قرار  
هر که را جان و دلی غمگین است  
گر بود خاطر یاری محزون  
شعر او جان‌ورا تسکین است  
هر که از دفتر او بیتی خواند  
کام او تا به ابد شیرین است  
باغ علم و ادب ایران را  
شعر پروین به قین آذین است  
عمر او بوده چه گل کوه لیک  
همچو گل شعر وی عطر آگین است  
شعر این نادره بانوی ادیب  
زیب لب‌ها همه جا تا چین است  
در سر هر گذر و هر سامان  
سخن از شعر خوش پروین است  
چون که بر تربت پروین گذری  
نوبت فاتحه و یاسین است



در پاسداشت استاد  
بدیع الزمان فروزانفر  
ادیبی گرانمایه  
و بی‌قرین

خوشا خاک ایران عنبر سرشت  
که دارد نشانه از باغ بهشت  
خوشا ملک ایران که این خاک و آب  
بسی پروریده گهرهای ناب  
به دامانش این مام نیکو نهاد  
چه مردان مردی که پرورد و زاد  
به پیکار دشمن، یلانی چو شیر  
به علم و هنر مردمی بی‌نظیر  
گروهی شده با خطر همنشین  
به پیکار خصم وطن در کمین  
گروهی دگر پیر و آموزگار  
تمامی به راه ادب رهسپار  
چو فردوسی و سعدی خوش سخن  
چو حافظ که دل برده از مرد وزن  
چو خیام و عطار و چون مولوی  
نکو مردمی عارف و معنوی  
یکی هم از این مردم زنده نام  
بدیع الزمان باشد آن حق مرام  
همان میر دانای نیکو تبار  
که ایران نماید بدو افتخار  
ادیبی گرانمایه و بی‌قرین  
نگهبان آداب و آیین و دین  
نکو سیرتی عارف و حق پرست  
که بود از می عشق جانانه مست  
ادب پروری صالح و خوش زبان  
مسلمان فرزانه و خوش بیان  
به عهد قجّر پا به دنیا نهاد  
به ملک خراسان ز مادر بزد  
پس از آنکه بالید و شد نوجوان  
روان شد پی کسب دانش عیان  
پس از مدتی رنج و اندوه و غم  
سرامد شد اندر علوم و حکم  
بدیع الزمان نام آن راد شد  
به علم و هنر میر و استاد شد  
فروزانفر شد پس آنکه لقب  
فروزنده شد او به عصری چو شب

به بهانه برگزاری نخستین جشنواره فرهنگی و هنری «مهر مادر»

مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های تجاری  
و عرصه فرهنگ و هنر

● عبدالصابر کاکایی  
دبیر شعر و ترانه  
جشنواره مهر مادر



سازو کارهای اقتصادی سازمان‌های تجاری بر  
مناسبت‌های فرهنگی و هنری، از یکسو اهالی  
فرهنگ و هنر می‌توانند نگاه خلاقانه به جهان  
پیرامون و منش انسان دوستانه را بیش از پیش در  
تار و پود شرکت‌های تجاری ببینند و از سویی دیگر،  
این شرکت‌های تجاری هستند که می‌توانند رموز  
استقلال اقتصادی را به مراکز و متولیان فرهنگی  
هنری بیاموزند. استقلال‌هایی که شاید در آینده، مراکز  
رویدادهای فرهنگی و هنری را از حمایت‌های  
مالی ارگان‌های دولتی و غیردولتی بی‌نیاز کند و  
چرخه اقتصادی هنرهای هفت‌گانه، بر پایه‌ی توان  
خود به چرخش درآید.

در پایان یادآور می‌شوم که نخستین جشنواره  
فرهنگی هنری مهر مادر، در همراه امسال اعلام  
فراخوان کرد و در ۲۶ بهمن ماه، هم‌زمان با روز  
مادر، به کار خود پایان داد. شعر و ترانه، یکی از  
بخش‌های اصلی این رویداد به شمار می‌رفت که با  
استقبال قابل توجه شاعران و ترانه‌سرایان روبه‌رو شد  
و بیش از دو هزار و هفتصد شعر و ترانه به دبیرخانه  
جشنواره ارسال و پس از داوری آثار در چندین  
مرحله، از برگزیدگان به شرح زیر تقدیر شد:

در شعر کلاسیک، «رضا علی اکبری» از استان  
فارس در جایگاه نخست ایستاد و پس از او «حامد  
رفیعی» از استان البرز، دوم و «حامد فلاخی راد» از  
استان تهران سوم شدند. در شعر نو، «صابر ساده»  
از استان تهران موفق به کسب رتبه نخست و  
استان تهران و «سجاد ریاحی فارسانی» از استان  
چهارمحال و بختیاری دوم و سوم شدند. در بخش  
ترانه نیز جایزه نخست به «سامی تحصیلداری» از  
استان تهران رسید و «حمیدرضا کامرانی» از استان  
گیلان و «سمیه مؤمنی» از استان تهران، دوم و  
سوم شدند. در بخش ویژه نیز «راهنه معماریان»  
به عنوان برگزیده، شناخته شد.

که با توجه به خدماتی که جامعه در قبال آنها انجام  
داده و آن، همان خرید محصولات و سوددهی به  
آنهاست، آنها چه وظیفه‌ای در قبال جامعه دارند. این  
وظیفه فراتر از تولید محصولات تجاری با کیفیت  
است و وارد حیطه‌ی ارتقای فرهنگ و هنر جامعه  
و حفظ محیط زیست و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر  
و ... می‌شود.

از اینروست که جشنواره‌ای مانند جشنواره  
فرهنگی و هنری «مهر مادر»، آغاز به کار کرد تا  
شاید سرآغازی باشد برای ورود و سرمایه‌گذاری  
شرکت‌های تجاری خصوصی به عرصه فرهنگ و  
هنر و رویدادهای جشنواره‌ای این عرصه. ورودی که  
دور از بخشنامه‌ها و الزامات و اجبارهای غیرهنری و  
گاه غیرفرهنگی باشد و به نوعی واکنش قدرشناسانه  
یک شرکت تجاری باشد، به جامعه‌ای که طی  
دهه‌ها و نسل‌های مختلف، خریدار محصولات  
آن شرکت بوده است.

این عدم وابستگی یک جشنواره به ارگان‌های  
دولتی، خود می‌تواند نیروی محرکی باشد برای قشر  
قابل توجهی از اهالی فرهنگ و هنر که در این سالها  
نسبت به رویدادهای فرهنگی هنری سازمان‌های  
دولتی، بدگمان بوده‌اند و از آن دوری جسته‌اند.  
نیروی محرکی که موجب می‌شود این ادیبان و  
هنرمندان، نسبت به برگزاری چنین جشنواره‌هایی  
روی خوش نشان داده و آثارشان را در معرض نگاه  
و رأی صاحب نظران قرار دهند. از طرفی پشتوانه  
مالی شرکت‌های تجاری می‌تواند با اهدای جوایز  
نسبتاً قابل توجه، افزون بر ایجاد اعتبار معنوی برای  
برگزیدگان، حمایتی مالی برای خلق آثار هنری  
تازه‌تر نیز باشد.

اما نکته‌ای که برای نگارنده از تمامی جوانب  
این رویداد مهم‌تر است، تأثیر متقابل این دو نهاد  
بر یکدیگر است. یعنی تأثیر اهالی فرهنگ و هنر  
بر پیکره شرکت‌های تجاری و در دیگر سو، تأثیر

نامه‌ای از پدر

شعر کلاسیک

عادل سالم ۱

بخند و آسمان مستمرباش  
فراوان باش، جان معتبر باش  
و در فردای آواز و ترانه  
گواه غربت و رنج پدر باش

دلیل بی‌بدیل ماندن من  
فدای بودنت جان و تن من  
بخند و تازه کن حال جهان را  
طلوع من، هوای روشن من

رفیق خانه زادم، ماه پیدا  
جناب چشم و ابرو، قد و بالا  
جناب خنده‌های نوبرانه  
جناب جان، جناب قند و حلوا

تورا نور و تورا باران نوشتم  
تورا دریای بی‌پایان نوشتم  
در این جان خستگی‌های دمدام  
صدایت را قرار جان نوشتم





● رضا رفیع

از فرمایشات ما!

## در راستای مدل موی پسران!

الآن در سطح جامعه با برخی مدل های غربی در زمینه موی پسران مواجه هستیم که واقعاً آدم با احتیاط نگاه می کند: مدل تیفوسی، متال، تن تنی، خروسی، آناناسی، سیخ نو پرپزه،... مدل های عجیب و غریب دیگری که تماشا دارد. این در حالی است که خود ما در این خصوص، بیل به کمرمان نخورده و از سوابق ایام؛ حتی از دوره ایران باستان، در خصوص آرایش مو صاحب سبک بوده ایم و اسنادش هم موجود است. این که شاعر گفته است: «تو مو می بینی و من پیچش مو؛» نشان از وجود بیگودی در قدیم و پیچاندن موی سر از ناحیه بالای گردن می دهد. اصطلاحاتی چون: طره مو، چین زلف، گیسو فرو هشته، سر تراشیده، موی قلندرانه، و... امثالهم، گواه همین مدعاست که عرض شد. گاهی این مدل موهای ایرانی به قدری جذاب و پر کشش بوده که دل شاعر وقتی در کمند آن اسیر و فلک زده می شده، دلش نمی آمده که ول کند. ما نیز در راستای انواع مدل های پسرانه اصلاح موی سر نیز پیشنهادهای ارزنده ای داریم که فی البداهه با شما در میان می گذاریم. همچنان که ظاهراً یکی از پیشنهادهای عوامل علمی و اجرایی طراحی ژورنال های مذکور، نامگذاری مدل های جدید ما به نام استان ها بوده است. احتمالاً جرعه این طرح زیبا در سفرهای استانی این دوستان زده شده است. به هر حال، ما هم برایشان داریم:

۱- مدل سرزده: زدن مو از ته یا ماشین کردن موی سر از بیخ، عمل حسنه ای بود که از قدیم الایام مرسوم بود. خصوصاً در دوران مدرسه و سربازی که باعث هوا خوردن سر شخص و رشد میانی فکری وی می شد. متأسفانه امروزه نه تنها به این مدل مو کمتر اعتنا می شود که برعکس، هر کس هم که خودش مو ندارد، می رود می کارد. کلی هم خرج خرید پیاز چو اش می کند که اشک آدم را در می آورد. خدا از کچل کفترباز یا حسن کچل یا امثالهم نگذرد که سایر کچل ها را هم زیر سؤال بردند.

۲- مدل کلاهی: طوری موها از چهار جهت اصلی صاف و دچار اصلاحات شود که بشود سر شخص کلاه گذاشت. کلاه که روی سر قرار گیرد، خیال صاحب کلاه از بابت موی سر راحت می شود. در قدیم هم کسانی مثل قلندران که صد درصد ایرانی الاصل بودند معمولاً کلاه سرشان می گذاشتند. عموماً نیز رشد می کردند و عارف می شدند. «نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست/ کلاه داری و آیین سروری داند»؛ ناظر به همین مدل موی است که عرض شد. این مدل در زمستان بیشتر جواب می دهد و استفاده دو منظوره پیدا می کند و کمتر آدم حس می کند که هوا بس ناخوشرمانه سرد است.

۳- مدل از پیش ساخته: امروزه علم و تکنولوژی شدیداً پیشرفت کرده و خیلی چیزها را به صورت پیش ساخته عرضه می کنند. فلذا شرکت های خصوصی مخصوصی می توانند اقدام به ساخت و پرداخت یکسری موهای از پیش ساخته و طراحی شده در چهارچوب موازین مورد نظر نمایند تا دغدغه آرایشگران عزیز نیز کمتر شود. ممکن است برخی افراد مغرض به این الگوهای از پیش طراحی شده، عنوان کلاه گیس بدهند، که بیخودی می دهند. می خواهند تشویش اذهان عمومی کنند که کور خواندند. کاری می کنیم که مو به تنشسان سیخ گردد. گرچه به خاطر تشابه به مدل غربی مو سیخ سیخی (یا همان سیخ تو پرپز)، مجبوریم طور دیگری با آنها عمل نماییم. همان تراشیدن مو از ته، بهتر و به صرفه تر است.

۴- مدل گوجه ای: در این مدل، تمامی موها در یک منطقه خاص و حساس که از چشم انداز بیرونی خوبی هم برخوردار باشد، تجمع کرده و سپس با یک عملیات غافلگیرانه ضربتی، به وسیله یک بند مخصوص (کش سابق!) آنها را مهار کرده، به هم چنان می بندیم که هیچ بادی نتواند آنها را پراکنده کند. چنان که طرف مٹ آن شاعر بنده خدا ننالد و نگوید که: «هر سر موی حواس من به جایی می رود...». این مدل گوجه ای بالانسیبت عین رُب می تواند در مواقع ضروری یا زوری از هم باز شود. بعضی ها ممکن است موی لخت بپسندند و بله را بگویند.

۵- مدل دهقان فداکار: نظر به این که در اختراع و ابداع مدل های ایرانی مو از برای جامعه پسران ـ وان شاء الله بعدها برای نسوان ـ برخی پرامترهای بومی و فرهنگی و ارزشی هم باید لحاظ شود؛ بد نیست که بعضی از مدل ها بر اساس نحوه آرایش موی سر شخصیت های اجتماعی و داستانی ادبیات تاریخی ما طرح ریزی شود. مثلاً عکس ریز علی خواجوی (با تمام ارادتی که به ایشان و عمل تاریخی شان دارم و امیدوارم که فکری هم به حال گسل های تهران بنمایند!) اگر در ژورنال های مدل موی پسران قرار گیرد؛ آرایشگران ماهر و نخبه این مملکت می توانند موی سر جوانان را طبق این مدل ارزشمند بزنند که هر کس ببیند برایش تداعی معانی هم می شود.

۶- مدل هرچی شد شد: در این طراحی مو، جوان ما با اعتمادی که به مراکز تصمیم گیری برای سر خود دارد، به صورت خودجوش، خودش را دربست در اختیار آرایشگر و ژورنال ایرانی وی قرار می دهد تا او با مهارتی که در کارش دارد، با توجه به مشخصات کله فرد، موی او را آرایش و پیرایش کند. حالا گرد شد لغو، دراز شد خاک انداز. این بهتر از آن است که جوان ما به صورت خودسر اقدام به اصلاحات کند که خدای نکرده ممکن است غربی از آب درآید و موجب گسترش گرایش به ماهواره کنایبی شود.



● راشد انصاری

## حاشیه ای بر طنز روستایی!

بلافاصله یا نوار می پیچاند یا صدایی از ضبط بیرون نمی آمد. رادیو هم برخلاف رادیوهای همه اهالی که همه جا را صاف می گرفت، هنگام پخش اخبار بی بی سی، چنان سر و صدایی راه می انداخت و پارازیت پخش می کرد که آدم دیوانه می شد.

همچنین پدر خدایا مرزم هر وقت می خواست با موتور سیکلت ۱۰۰ یاماها های خودش جایی برود، قبل از حرکت، کلی ورد می خواند و سمت شانه های چپ و راستش فوت می کرد. اگر چه ما هیچگاه متوجه نشدیم چه می گوید؛ اما به محضی که هندل می زد، موتور لج می کرد و روشن نمی شد.

حدود پنجاه تا هندل می زد، عاقبت هم پای راستش به جایی گیر می کرد و قوزکش زخمی می شد. پس از کلی هل دادن و گرفتاری، همین که روشن می شد و حرکت می کرد، با سرعت تمام می خورد به دیوار یا هر چیزی که در مسیرش بود. از عجله بود نمی دانیم. کلاچ را یک مرتبه رها می کرد، نمی دانیم.

پدر طفلک، بدشانس هم بود. مثلاً کنسرو لوبیا یا قوطی رب گوجه و دلمه بادمجان را با هزار سلام و صلوات می خواست باز کند. به محضی که چاقو یا در باز کن را فرو می کرد داخل قوطی، نمی دانیم چطور می شد که بلافاصله از انگشتش خون می زد بیرون. سر انگشتش یا جایی را که بریده بود، می گرفت و حدود یک ساعت می نالید و به در باز کن و کنسرو و والده و رئیس پاسگاه ژاندارمری، بد و بیراه می گفت.

راستی این یکی را هم بشنوید، بد نیست. خدایا مرز یک چراغ قوه ای داشت که شب ها کنار خودش زیر تشک می گذاشت. چه زمانی که برق نداشتیم، چه بعدها که روستای ما برق دار شد. اما این چراغ قوه

در مواقع حساس روشن نمی شد. مثلاً پدر احساس کرده بود که عقبرب یا ماری وارد اتاق شده است. هر کاری می کرد، روشن نمی شد تا زمانی که صدای آخ پدر بلند می شد. بعد با چندبار باطری عوض کردن و ریختن باطری ها و پخش و پلا شدن شان کف اتاق و افتادن چراغ قوه از دستش و... روشن می شد که دیگر کار از کار گذشته بود.

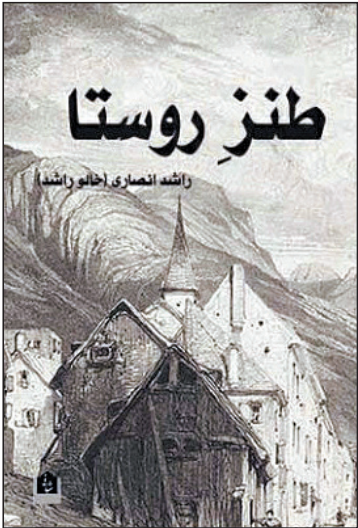
و یا موقعی که پدر فکر می کرد دزد آمده است. چون سنگ گله به طرز مشکوکی پارس می کرد. حالا که احتیاج به روشنایی فوری داشت، هر کاری می کرد، چراغ قوه اش روشن نمی شد. چک می زد تو سر چراغ هیچ، می زد ته چراغ قوه هیچ، بعد که سر و صدا می کرد و سارق یا سارقان تشریف شان را برده بودند، چراغ قوه ای که گذاشته بود زیر بالشش، بعد از یک ساعت، خود به خود روشن می شد!

پدر همچنین مثل بقیه همسن و سال های خودش به دکترها اعتمادی نداشت. همیشه می گفت اول خدا. بعد هم داروهای گیاهی اگر کاری از دست شان بر نمی آمد، تنها راه نجات بیمار از مرگ حتمی را «بند شو» می دانست.

«بد شو زدن» (بد شب زدن)، یعنی از قدیم رسم بوده که هرگاه عضوی از اعضای خانواده ای بیمار می شد، شب یکی از اعضای خانواده دو عدد سنگ بر می داشت و می رفت در خانه یک مرد دو زنه را می زد (حالا چرا مرد دو زنه، خدا می داند!) طرف سنگ به دست به محضی که در می زد و کسی از پشت در می گفت کیه؟ بلافاصله چند بار سنگ ها را تق تق به هم می زد و اعضای خانواده مرد دوزنه هم که دیگر در این زمینه استاد شده بودند، می رفتند و به پدر می گفتند بد شو است، چپی بگیم؟...

مرد دوزنه نیز بدون مکث، به عنوان مثال، می گفت خرما. و به طرف که منتظر بود، اعلام می شد خرما. جالب است که بیشتر مواقع، بیمار با خوردن خرما خوب می شد. دو سه تا پیرمرد دو زنه هم مثل مشهدی حسن و حسینعلی بودند که فقط تکیه کلامشان ادراش (شتر) خدانصیب نکند از تاختی!،) پشکل بز و هنوانه ابو جهل بود.

آنها با تجویز این داروهای عجیب و غریب، پدر صاحب بچه را به قوی در می آوردند. پس از سال ها تقریباً کل اهالی این دوسه پیرمرد بدجنس را می شناختند و کسی دیگر برای بدشو زدن به آنها مراجعه نمی کرد.



«طنز روستا»، عنوان تازه ترین اثر طنز مکتوب «راشد

انصاری» کثیرالانتشار است که تمامی نثرهای طنزش در این مجموعه، در حال و هوای روستا می گذرد. به قول اهل فیلم، لوکیشن، روستاست. کار و ابتکار جالبی به خرج داده راشد رو به رشد. خرچش بالاست! چرا که توجه به موضوع روستا و جغرافیای فرهنگی و اقتصادی آن، از لوازم پیشرفت و توسعه و پیشگیری از کوچ نیروهای انسانی کارآمد به شهرهاست.

انتخاب زبان طنز برای پرداختن به این موضوع؛ یعنی توجه به اهمیت روستا و جایگاه اقتصادی آن در عمران و آبادی کشور، خود نشان درک و دریافت درست نویسنده طنزپرداز از این موضوع و مقوله است. واقعاً تا به حال فکر کردید که چرا همه داستان ها و شعرها و مطالب طنز ما باید در شهرها بگذرد؟ مگر نه این که پایه اصلی کشاورزی و دامداری و اقتصاد تولیدگر ما در روستاست؟

حتماً که به قول سعدی، نباید فتنه ای بیفتد که «روستازادگان دانشمند» به وزیری پادشاه و دولت و حکومت بروند!... البته به شرطی که در شهر نمانند و بعدش که مثلاً مهندسی کشاورزی شان را گرفتند از دانشگاه آزاد یا سایر دانشگاه های مازاد، برگردند به سلامت به روستا و ده زادگاه خود و از علم و دانش و سوادشان در جهت کمک به پیشرف روستا استفاده کنند تا دعای کدخدا و مردم ده نیز پشت سر آنها باشد.

عین همین راشد انصاری ما که بیش از ۲۵ سال است دارد طنز می نویسد؛ به نظم و نثر هم می نویسد؛ اما تا احساس نیاز کرد، برگشت به روستا و در حال و هوای موضوعات مربوط به آن، شروع کرد به قلم زدن. و نیز قدم زدن در هوای خوش و خرمی که روستا دارد هنوز چون شهر، آلوده به مواد آلاینده نشده و می شود در فضای آزاد آن نفس کشید و مطمئن بود که درصد اکسیژنش بیشتر است!

البته، پیش از راشد ما نیز بوده اند شاعران و نویسندگان و طنزپردازان همیشه در صحنه ای که در مین آثارشان، گاه به موضوع روستا نیز پرداخته اند. در حکایت های عبید زاکانی هم بسیار آمده است که موضوع لطیفه و حکایت در «دیهی» می گذشته و شکل گرفته است. استاد جعفر ابراهیمی، شاهد است چه می گویم چون خود ایشان، از جمله کسانی است که با خلق شعری خاطره انگیز و صمیمی، به گردن ما و روستا حق دارد. هنوز از دوران دبستان به یاد داریم که گفت:

خوشا به حالت، ای روستایی  
چه شاد و خرم، چه باصفایی  
در شهر ما نیست جز دود و ماشین  
دلم گرفته از آن و از این...

بگذریم. گفتیم که ابتکار راشد انصاری این است که مجموعه ای از طنزهای خود با موضوع روستا را یکجا و در یک کتاب، گرد هم آورده و توسط نشر «شانی» و به قیمت ۲۵ هزار تومان ناقل، روانه بازار کتاب کرده است. یک نمونه از داستان های طنز این کتاب (با عنوان ماجرای ضبط صوت پدر) را به رسم «مشئت نمونه خروار»، ذیلاً مجانی تقدیم حضور می کنیم؛ شاید تشویق شوید برپود اصل کتاب را از زیر سنگ سیاه هم که شده، تهیه بفرمایید. بلکه شاعر و نویسنده طنز ما تشویق شود تا باز هم در راستای روستا، طنزپردازی نماید. یعنی توبه کار نشود!

**دوستدار روستا: رضا رفیع**  
\*\*\*

### ماجرای ضبط صوت پدر و....

مرحوم پدر، مردی بسیار متعصب و مذهبی بود. شبیه کشیش معروف «ن کامیلو» که در مقابل مجسمه مسیح زانو می زد و درد دل می کرد، پدر نیز هنگام روشن کردن رادیو ضبط قدیمی اش، مقابل آن می نشست و اول بسم الله می گفت، بعد صلوات می فرستاد و در ادامه هم چیزهای دیگری را زیر لب زمزمه می کرد. بالاخره خیلی یواش و با احتیاط، جا نواری ضبط را باز می کرد و نوار را در جای خودش قرار می داد. پدر قبل از انجام هر کاری بسم الله می گفت و همواره اعضای خانواده را نیز به این کار تشویق می کرد. البته فراموش کردم بگویم که قبل از قرار دادن نوار داخل ضبط، حسایی نوار و جانواری را فوت می کرد تا تمیز شود. چون آدم در روستا بیشتر از شهر با گرد و خاک سر و کار دارد.

بعد از این همه مقدمه چینی، ضبط را روشن می کرد، اما معمولاً



## امروز در تاریخ

## فرارپارسی زبانان به بدخشان

۷۶ سال پیش از میلاد و اواخر زمستان، طوایفی که در منطقه گبی - آلتای می زیستند با استفاده از فرصت احضار واحدهای ایرانی مستقر در مرز منطقه ای که امروزه در آنجا ویغورها زندگی می کنند و در آن زمان محل سکونت پارسی زبانان بود به این منطقه هجوم آوردند و پارسی زبانان را به بدخشان فراری دادند و برجایشان نشستند. با وجود این، آثار فرهنگ ایرانی و بسیاری از واژه های فارسی برای مثال: کاریز در آنجا تا به امروز باقی مانده است.

## یادشاهی «بهرام گرامنشاہ»

در پی درگذشت شاپور سوم، یازدهم مارس سال ۳۸۸ میلادی بهرام برادر او و حکمران خطه کرمان، شاه ایران زمین شد و به دلیل علاقه ای که به کرمان داشت در همه عمر لقب «کرمانشاه» را برای خود حفظ کرد. مورخان رومی نیز در کتاب های خود او را «بهرام کرمانشاه» نوشته اند.

تاجگذاری شاه اسماعیل صفوی

اسماعیل صفوی از خانواده درویش تبار شیخ صفی الدین ۱۱ مارس سال ۱۵۰۲ در تبریز تاجگذاری کرد، شاه شد و شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی ایران اعلام داد. وی در خطبه‌ای که ایراد کرد اعلام داشت که خود را مکلف به ترویج مذهب شیعه و ایجاد یک حکومت مرکزی در ایران زمین و نجات مردم این سرزمین از وضعیت نابسامانی که از زمان حمله مغول داشتند، می‌داند.

## قتل گسروی در کاخ دادگستری

احمد کسروی در این روز در سال ۱۳۲۴ در کاخ دادگستری و در اطاق بازپرس در حالی که روی صندلی نشسته بود و به پرسش‌ها پاسخ می‌داد با چاقو مورد حمله قرار گرفت و کشته شد. به گزارش روزنامه‌های وقت تهران، قتل وی به دست اعضای جمعیت فدائیان اسلام صورت گرفت.

## شهر دار و روز شد دوست تهران

حسینی منصور نخست وزیر تازه در این روز در سال ۱۳۴۲ خورشیدی دکتر ضیاء الدین شادمان یکی از روزشدهوستان کشور را که گاهی هم برای رادیو و نشریات موسسه اطلاعات تفسیر و رزشی می گفت و می نوشت و در سابق رئیس یکی از فادراسیون ها بود به عنوان شعبدار نهران شهر کرد.

[www.iranianshistoryonthisday.com](http://www.iranianshistoryonthisday.com)

## قاب امروز



خانہ تکانی عدد / عکس از: مریم داور نفا - مہر

سہ ماہ

بر من شب هجر تو سر آید آخر

اب: صبح وصال تو بہ آید آخر

دستی که ز هجران تو به سر دارم

از وصال به گدنت درآید آخر

انوری

ند بزرگان

## فضیلت انسان در نگهداشتن حد وسط میان

افراط و تفريط است.

ارسطو

کار، نه فقط هزینه زندگی را تأمین می کند، بلکه زندگی که در آن راهم به انسان می آموزد.

## هنري فورد

جدول شرح در متن ۵۲۱۳

غلام محسن: باغبان

[illegible]

**سودو کو**

२७♦♦

5	1				9			
			5			6	7	9
6		9			4			
					6	7	8	
		8				9		
	4	3	1					
						4		8
1	8	6			5			
			3				2	5

۳	۶	۲	۴	۹	۱	۸	۷	۵
۸	۷	۵	۳	۶	۲	۴	۹	۱
۴	۹	۱	۸	۷	۵	۳	۶	۲
۲	۳	۶	۱	۵	۴	۹	۸	۷
۹	۴	۸	۲	۳	۷	۱	۵	۶
۱	۵	۷	۶	۸	۹	۲	۳	۴
۷	۲	۳	۹	۱	۶	۵	۴	۸
۶	۸	۴	۵	۲	۳	۷	۱	۹
۵	۱	۹	۷	۴	۸	۶	۲	۳

حل ۲۶۹۹